



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۱۲۹

صورت مشروح
مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

یکشنبه ۲۵ خرداد ماه ۱۳۰۹ - هفدهم محرم ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالیانه: ۱۰ تومان داخله، ۱۲ تومان خارجه، ۱۲ تومان
تک شماره: یکقران

مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه بیست و پنجم خرداد ماه ۱۳۰۹ هـ (هفدهم محرم ۱۳۴۹)

نهیست مذاکرات

- ۱ (تصویب صورت مجلس
- ۲ (تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر پست و تلگراف
- ۳ (مذاکره در لایحه متمم بودجه مملکتی از ماده ۲
- ۴ (تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر امور خارجه
- ۵ (مذاکره در لایحه متمم بودجه مملکتی از ماده ۶
- ۶ (موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس سه شنبه ۱۳ خرداد ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

رئیس - آقای فیروز آبادی
 وزیر پست و تلگراف - (آقای میرزا قاسم خان
 فیروز آبادی - قبل از دستور
 صورت) - دو فقره لایحه است یکی راجع بامتداد هوا
 پیمائی خط مشهد و یکی راجع بقرار داد شرکت تلفن
 ایران که تقدیم میشود .
 رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (نمایندهکان - خیر)
 صورت مجلس تصویب شد .

[۳ - مذاکره در لایحه متمم بودجه مملکتی از ماده ۲]

رئیس - لایحه بودجه مملکتی متمم بودجه مملکت
 ماده دوم مطرح است قرائت میشود :
 وزیر پست و تلگراف [۲ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای

عین مذاکرات مشروح یکصد و بیست و نهمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تنه نویسی و تحریر صورت مجلس

غائبان : کاشانی - فتوحی - لرستانی - صادقی - فوام - اورنگ - تبهور تاش
 غائبین بی اجازه : آقایان : میرزا حسنخان وثوق - بوشهری - دکتر امیر اعلم - اعظم زنکنه - آقا زاده سبزواری
 حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - آقا رضا مهدوی - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک
 دیر آمدگان با اجازه : آقایان : شریعت زاده - اسدی - ذوالقدر
 دیر آمدگان بی اجازه : آقایان : عبدالجبار خان دیبا - عباس - میرزا

ماده دوم - کلیه ادارات و مأمورین مکلف هستند که آنچه از وجوه و اموال دولتی دریافت مینمایند تحویل خزانه داری کل کنند و هیچ عنوان مجاز نخواهند بود مستقیماً و بدون اجازه خزانه داری کل برداشتی نمایند

تبصره - قسمت (ج) از فقره ۱۶ ماده واحده قانون مصوب ۳۰ آبانماه ۱۳۰۸ بقوت خود باقی است. رئیس - آقای فیروز آبادی.

فیروز آبادی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این جا خواستم آقای مخبر توضیح بدهند در این ماده نوشته است که کلیه ادارات که از وجوه عمومی و از عوائد عمومی جمع آوری میکنند مثلاً وزارت پست و تلگراف یا وزارت فوائد عامه یا عدلیه یا وزارتخانه های دیگر که عوائدی دارند باید آن عوائد را بجزانهداری بدهند در صورتیکه آنچه تا بحال معمول بوده است از وزارت مالیه رؤسای محاسباتی در آن وزارتخانه ها هست و آن رئیس محاسبات مالیه در آن جا ناظر است خواستم بدانم اینک این جا نوشته است بطور مطلق که کلیه ادارات و مأمورین مکلف هستند که آنچه از وجوه و اموال دولتی دریافت مینمایند تحویل خزانه داری کل کنند همان رئیس محاسباتی که در آن وزارتخانه از طرف وزارت مالیه نشسته است همان کفایت میکند دیگر لازم نیست که ادارات یا وزارتخانه ها مکلف باشند که ببرند بجزانهداری کل بدهند مگر این که مرادشان از این عبارت این باشد که تحویل رئیس محاسبات بکنند همان رئیس محاسباتی که از طرف وزارت مالیه در آن جا کنترل و تقییش است همان کفایت میکند اگر نظر و مراد این باشد که این عبارت وافی نیست و شاید در مقام عمل دچار اشکال شود این را که میخواهم عرض کنم نه مخالفتم نسبت بقانون است نظرم در مقام عمل

است که وزارتخانه ها با خزانه داری در تمام عمل گرفتار نشوند چون در عمل دیده ایم که وزارتخانه ها بواسطه یک لایحه و یک چیزی گرفتار میشوند و نماینده مالیه و وزارت مالیه هزار جور اشکال تراشی نسبت بقوانین میکنند این است که خواستم این را از طرف دولت توضیح بدهند برای شرح این مسئله که آن نماینده مالیه و رئیس محاسبات که در آنجا هست و ناظر است گفتند میکند لازم نیست که مستقیماً وزارت پست و تلگراف این عوائد را ببرد بجزانهداری کل همان رئیس محاسبات کل و نماینده مالیه که در آن جا است کفایت میکند

رئیس - آقای وثوق (حاضر نبودند) آقای شریعت زاده شریعت زاده - بنده عرضی نداشتم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده هم مخالف هستم

رئیس - آقای طاهری

دکتر طاهری - منظور از این ماده دوم تعهد عایدات است که یکی از مهمترین اقدامات اساسی است که وجوهی را که مأمورین دولت جمع آوری میکنند خودشان نمیتوانند دیگر بمصرف خرج برسانند اینها باید بجزانهداری کل برود منظور از این ماده است و آنکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند آن متصدیان جزء که پول دستشان است مجلس که قانون میگردد طرفش وزارتخانه است در کیسیون بودجه که حضرتعالی هم عضویت داشتید و عین همین ماده در فرامین متمدن بودجه مکرر بتصویب رسیده است چون دستور پرداخت و جمع آوری را باید بدهد بوزارتخانه و طرفش کلیه وزارتخانه ها است و اگر یک نظامات داخل در هر وزارتخانه معمول و مجری است آن یک چیز نیست که منافات با این داشته باشد مجلس وزارتخانه ها مسئول قرار داده است و بعلاوه اینجا مأمورین را اسم برده است مأمورین عبارت از آن اشخاص است

مقصدی پول هستند چون ممکن است نسبت بقسمت مکرر هم یک مذاکراتی بشود که این قسمت مستثنی شده است بنده این را قبلاً عرض میکنم که آن این است که ماده واحده که چندی پیش گذشت برای اختلاس دولت فقط در قسمت شانزده اجازه داده شد قسمت هائی که فوریت داشته باشد چنانچه در بودجه درج نشده باشد تا صد تومان میتواند برداشت کنند فوری اطلاع بدهند در ظرف ده روز و اگر عملش درج شده باشد و اجازه اعتبارش نرسیده باشد در قسمت غیر محدود است ولی باید در ظرف ده روز اطلاع بدهند در آن جا این عمل را اجازه دادیم چون این قانون مصادم میشود با آن قانون در این مورد ذکر شد که در جزء شانزده از ماده واحده قسمت (ج) مشمول است و بقوت خودش باقی است در این جا چون نوشته است که تمام مأمورین یعنی ابواب جمعی خودشان را بجزانهداری بدهند در قسمت اشتباه کرده که تا صد تومان در بعضی قسمت اگر فوری باشد میتواند یک برداشتی بکنند و یک مرتبه بکنند و مسؤول نیستند این است که این ماده یکی از بهترین مواد قانون متمدن بودجه است اصل تمرکز عایدات را که منظور نظر همه است این میکند (صحیح است)

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - همین طوری که فرمودند ماده دوم یکی از مواد خوب این قانون است و بنده هم کاملاً موافق هستم و در قوانین بودجه سابق هم همیشه بوده است باید هم باشد فقط در این جا نظر بنده راجع به این مورد است که ذکر شده است این تبصره که مینویسد قسمت (ج) از فقره ۱۶ ماده واحده قانون مصوب ۳۰ آبان ماه ۱۳۰۸ بقوت خودش باقی است در قسمت ماده واحده سه قسمت است حالا بنده آن قانون میخوانم و تصور میکنم اگر چنانچه ما بایستی آن را

مراعات کنیم تمام قسمت ها باید نوشته شود و اگر چنانچه قسمت (ج) را فقط بنویسیم نتیجه این میشود که قسمت (ج) بقوت خودش باقی است و آن دو قسمت دیگر ملغی است و باید این قسمت (ج) را هم برداریم (آقا سید یعقوب - صحیح است) باین جهت بنده عقیده ام این است که این را باید اصلاح کرد و حالا بنده آن قسمت را میخوانم قانون متمدن قانون دیوان جزای عمل دولت است که سی ام آبان ۱۳۰۸ تصویب شده است: ۱۶ - مواد ذیل تصرف غیر قانونی بآن معنی که در قوانین جزائی منظور است محسوب نخواهد شد

۱ - صرف کردن از عوائد عمومی بمحلی که اساساً خرج در آن محل جزء اعتبارات عمومی تصویب شده و تأخیر در بعمل آوردن آن مصارف و انتظار صدور اجازه باعث فوت وقت میشود.

ب - صرف کردن از وجوه خصوصی بمحلی که اساساً خرج در آن محل جزء اعتبارات خصوصی تصویب شده و تأخیر در بعمل آوردن آن مصارف و انتظار صدور اجازه باعث فوت وقت میشود

ج - بعمل آوردن مصارفیکه اعتبار آنها تصویب نشده ولی مصلحت اداری آن مصارف را ایجاب میکرده است مشروط براینکه جمع مصارفی که بکنند باین ترتیب بعمل آورده از صد تومان تجاوز نکند کسانی که بعد از تاریخ اجرای این قانون بیکس از شقوق سه گانه فوق مصارفی بعمل آورند در صورتیکه در ظرف ده روز از تاریخ بعمل آوردن آن مصارف باداره مربوطه کتباً اطلاع بدهند عمل آنها تصرف غیر قانونی جزائی محسوب شده و بمجازات مختلس خواهند رسید. این جا یک اصل البته این است که مأمورین ما حق ندارند بهیچوجه از وجوهی که ابواب جمعی آنها است تصرفاتی بکنند و مکلفند که تمام آن وجوه را بفرستند بمرکز و مخارج و مصارفی که دارند مطابق بودجه هائی که برای آنها میفرستند و اجازه پرداخت میدهند مطابق آن اجازه برداشت کنند و بمصرف برسانند بعد البته

دولت توجه پیدا کرد که در بعضی مواقع دچار يك مشكلاتی میشود و مصارفی ممکن است پیش بیاید که فوری و آنی باشد و اگر مأمورین بعد از گذشتن قانون دیوان جزا آن مصرف را بکنند و خرجی بکنند دچار مشکلات میشوند و مختلس محسوب خواهند شد و بیک مشكلاتی برمیخورند این ماده ۱۶ را گذاشت و این ماده ۱۶ سه قسمت دارد يك قسمت این است که اعتبارات مصوبه که هنوز اجازه پرداخت آن نرسیده است اگر چنانچه يك موقع يك احتیاج فوری پیش آمد از آن اعتبارات مصوب آن احتیاج را رفع بکند ولی مکلف است در ظرف ده روز بمرکز اطلاع بدهد یکی هم اعتبارات خصوصی است که آنرا هم به مأمور اجازه میدهند که اگر يك مواقع فوری و فوری پیش آمد آنرا میگویند باز میتواند خرج بکند و در ظرف ده روز بمرکز اطلاع بدهد یکی دیگر قسمت (ج) است که میگوید هیچکدام از اینها نباشد و از اعتبارات مصوب نباشد - باز میتواند خرج بکنند ولی تا صد تومان و بعد در ظرف ده روز باید اجازه بگیرند بنده خیال میکنم که ما بایستی این قانون را حفظ بکنیم البته منظور دولت هم این بوده است که این قانون حفظ شود آنوقت قسمت (ج) را که نوشتیم از ماده ۱۶ نتیجه این میشود که آن دو قسمت دیگر را ملغی کنیم فقط قسمت (ج) را بگیریم و اگر این طور نیست باید صریح نوشته شود که هم تکلیف دولت معلوم باشد و هم تکلیف مأمور در این قسمت معلوم شود یا باید نوشته شود قمره ۱۶ قانون مصوب فلان باعتبار خودش باقی است یا قسمت (ج) را اگر بنویسیم آن دو قسمت دیگر را باید بنویسیم ملغی است این بود نظر بنده .

رئیس - آقای ملک موافقت؟

ملک مدنی - عرضی ندارم .

رئیس - آقای کازرونی موافقت؟

کازرونی - عرضی ندارم .

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرضی ندارم .

رئیس - آقای طاهری

دکتر طاهری - این موضوع را که آقای اعتبار مذاکره فرمودند در کمیسیون بودجه موقعی که مطرح بود که مذاکره شد که اصلاً قمره (ج) را از این قسمت مستثنی کنند و بقوت خودش باقی باشد ولیکن نماینده مالیه که آن جا بود آن دو قسمت را مستثنی ندانست و قسمت (الف) و (ب) را میگذارد چون بودجه تصویب شده است و اعتبارش علیحده است و این قسمت نیست فقط اشکالی که وارد بود این قسمت که اصلاً در بودجه اعتباری تصویب نشده باشد و مأمور مجبور شد آن خرج را بکند و يك مبلغی را برداشت که و این جا قید شده است که تا صد تومان میتواند برداشت کند و بعد در ظرف ده روز اطلاع بدهد چپش را و چپش را مختلسین محسوب نباشد چون این مسئله در آن جا مطرح شد و ما گفتیم کلیه ادارات دولتی مکلف هستند که آن از وجود و اموال دولتی تحصیل میکنند تحویل خزانه بکنند و آن قسمت (ج) را گفتیم بقوت خودش بماند است یعنی اگر چنانچه در بودجه يك خرجی پیش نیفتاده است و دفعه يك اتفاقی افتاده که مأمور مجبور شده که يك دفعه پنجاه تومان خرج بکند این را بنده اطلاع دارد و خرج بکند و در ظرف ده روز هم اطلاع بدهد و مسؤول هم نیست و بنده عقیده ام این است که مأمور که کمیسیون تصویب کرده است بهتر است (ب) صحیح است .

رئیس - آقای ملک

ملک مدنی - عرضی ندارم .

رئیس - موافقت با ماده دوم قیام فرمایند . (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده سوم قرائت میشود : ماده سوم - نظر به این که اعتبارات بودجه بر طبق ماده واحده و صورتهای تفصیلی از یکدیگر تفکیک شده و کتب وزارتخانهها و ادارات دولتی مکلف خواهند بود اولاً مالیاتها و عوارض مربوطه بخود را پرداخت نمایند ثانیاً چنانچه يك وزارتخانه از حیث تهیه اشیاء ملزومات یا انجام خدمات مخصوصه از وزارتخانه دیگر ملغی طلبکار شد وزارتخانه مدیون مکلف است دین خود بپردازد در خود را پذیرفته و آنرا از محل اعتبارات بودجه مصوب خود بپردازد در يك سرحدی وزارت داخله یا وزارت عدلیه میگویم که فوراً ناچار شد که يك صلحیه را در آنجا تشکیل بدهد و نتوانست تشکیل بدهد یعنی بودجه نداشت و آن نایب الحکومه را با يك ترتیبی مسؤل کرد برای صلحیه حالا از آن مستخدم وزارتخانه دیگر این خدمت را خواسته است حالا که خدمت خواسته است لابد به او مدیون میشود اگر در بودجه خودش این اعتبار را نداشته باشد مثلاً وزارت داخله در وقتی که میخواسته است بودجه اش را بگذراند این اعتبار را پیش بینی نکرد و الان این احتیاج پیدا شد خوب کار مملکت است خوب در عرض سال همچو چیزی شد در صورتیکه در اصل بودجه هم چنین اعتباری پیش بینی نشده است خوب است در این قسمت توضیحی داده شود که رفع گرفتاری از وزراء در موقع عمل بشود در صورتیکه اعتبار مخصوصی نداشته باشد در اینجا چه خواهند کرد این جا دین دولت میشود از سنه مالی که گذشت در سنه دیگر جزء بودجه آتی میشود چه میشود؛ ترتیبش را بفرمایید که در عمل چه قسم عمل میشود

وزیر عدلیه (آقای داور) - نماینده محترم وقتی که تشریف آوردند این جا بنده چون سلیقه شان را میدانم تصور کردم میخواهند در قسمت اول ماده اعتراض کنند که دلیل ماده را ذکر کرده است که : نظر باینکه اعتبارات بودجه بر طبق ماده واحده و صورتهای تفصیلی از یکدیگر تفکیک شده بنده چون میدانم سلیقه ایشان است که دلیل قانون را در جزء ماده قانون ذکر نمیکند و چون این را میدانستم خیال کردم میخواهند به این قسمت اعتراض کنند که بنده بیایم این جا و موافقت کنم

و بگویم بله اگر پیشنهادی دارید بدهید بنده هم قبول میکنم ...

دکتر طاهری - این قسمت بر داشته شده و در مطبوعه سهو شده است

وزیر عدلیه - پس بنا بر این پیشنهاد خواهد شد که در این جا اصلاح شود . اما راجع به قسمتی که فرمودید و سؤال کردید بنده وارد میشوم یکی راجع به ملزومات فرمودید ملزومات کل آلان در کار نیست و بنا بر این ممکن است که یک وزارتخانه بعضی از چیزهای ملزوماتی خودش را از یک وزارتخانه دیگر بگیرد و بالطبع مدیون میشود و البته باید بدهد . راجع به حقوق که فرمودید این جا طبیعتاً اگر یک وزارتخانه آمد و مأموریت داده به مامور یک وزارتخانه دیگر در صورتیکه از برای آن کار اعتبار نداشت و بتواند حقوق بدهد اگر فرض بفرمائید وزارت داخله از برای یک نقطه پیش بینی کرده است حقوق حاکم آن جا را فعلاً حاکم در آن جا نیست بیاید رئیس تلگرافخانه آن جا را کفالت بدهد حقوق کفالتی را که باید بدهد از محل حقوق آن حاکم که در بودجه پیش بینی شده است میتواند بدهد ولی اگر در بودجه چیزی پیش بینی نشده است نمیتواند یک حاکم بفرستد برای آن جا و بیاید مامور یک وزارتخانه دیگر کفالت بدهد مثل این که اگر خودش حاکم فرستاد برای یک نقطه که برای آن نقطه در بودجه اعتباری پیش بینی نکرده بود نمیتواند بهش حقوق بدهد . پس بنا بر این هیچ میسر نیست اگر ماموری را کفالت دادند میخواهد آن مامور خود وزارتخانه باشد یا مامور وزارتخانه دیگر که حقوق از برای او در بودجه پیش بینی نشده باشد طبیعتاً نمی شود از برای او چیزی پیش بینی کرد . راجع به قسمت ملزومات هم که عرض کردم چون ملزومات کل نیست در این ماده چیزی لازم نیست ذکر شود .

رئیس - آقای طاهری موافقت؟

دکتر طاهری - اجازه میفرمائید این قسمت از ماده در کمیسیون حذف شد و از همین نقطه نظر کنیم مهم نبود و در با کنوینس کردن اشتباه شده است حالا هم پیشنهاد میشود و قسمت اول اصلاح شود .

رئیس - نظر آقای مخبر؟

مخبر - بنده هم موافقم همین جور است .

رئیس - نظر دولت چیست؟

وزیر عدلیه - بنده هم عرض کردم نظر دولت را که قسمت اول ماده زائد است .

رئیس - موافقین با ماده سوم یا تصحیحی که مبشر قیام فرمایند .

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده چهارم قرائت میشود

ماده چهارم - انتقال از اعتبار حقوق بمصرف بالعکس ممنوع است ولی وزارتخانهها در نقل و انتقال (تبدیل محل مأموریت) اعضاء با اعتبار حقوق خود آنها مجاز خواهند بود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این جا باز آقای وزیر عدلیه عرض میکنم برای توضیح است که در مقام عمل چهار نکته نشود . ما قانون را که مینویسیم عبارت اولش خیلی خوب است ولی وقتی که کلمه ولی آمد دست میکند و کمرش را خرد میکند اول میگوید انتقال از مامور و حقوق این درست است و معنای بودجه اش هم همین است که هر فصلی مخصوص بخودش باشد و دیگر آن فصل استثناً بهش بر نخورد ما این ماده را بگذرانیم حقوق باید پای مصارف زود و مصارف پای حقوق باشد یعنی چه؟ یعنی کارها تقسیم باشد و ترتیبی در کار داده شود سال بسال باید کارهای ما از تقصیر برود و کارها مرتب شود و بعد یک (ولی) بدهد میگذارد

(ولی) چکار میکند؟ این دلیل میشود که آن اساسی که دولت دارد و مجلس هم همیشه دارد که ما را مرتب کنیم آن از بین میرود یعنی وزارتخانهها تغییر حقوق مامورین بمصارف آزاد باشند در ماده نیست که در نقل و انتقال یعنی تبدیل محل مأموریت با اعتبار حقوق آنها مجاز خواهند بود یعنی اجازه خواهیم بدهیم که وزراء در تغییر دادن هر ترتیبی که در وزارتخانهها تقدیم میکنند و آن اندازه که در عرض میخواهند پیش بینی کنند در صورتی که بودجه بکمال بیشتر نیست آن اندازه که مامورین را لازم دارند نقل و انتقال همان را از اول در نظر بگیرند دیگر در قانون لاستیکی و کش دار نکنند قانون باید طوری باشد که در شان بسته بشود و پس فردا نیایند بنده خیلی ملاحظه میکنم و احترام می کنم ولی فردا در آقای وزیر عدلیه عرض بکنم که فلان مامور را این جا بردارید میگوید من نمیتوانم . میگویم که این اجازه داده است این را من باب مثل عرض کردم) نکال کنند و این یک بابی از برای خود وزراء بشود و یک باب تزللی هم نسبت بمامورین است بنده عقیده ندارم باین قسمت استثنائیش .

وزیر عدلیه - آقا فقط این جا یک عیب می بینند آن این است که دست وزراء باز میشود ولی تصدیق فرمایند که بنده همان چیزی را که شما عیب می بینید من میدانم و دولت هم بالطبع این را یکی از کارهای خوب میدانند اما حالا واقعاً صرف نظر از اینکه این را چه طور میدانند و آقا چه طور میدانند به بنشینم عملاً کدام یکیش بهتر است؟ اساساً بودجه معین شود از برای اینکه اقلام و مطالبی تصویب شود و عمل هم شده باشد و قبلاً مملکت بداند چه قدر خرج و چه قدر عایدات دارد دولت هم بتواند از حدود مجاز کند این اساس بودجه است اما اگر حالا

وارد شوید در آن زندگانی عملی که دولت و قوه مجریه هر روز با آن زندگانی در تماس است . یک ماموری را بودجه پیش بینی کرده است از برای یک نقطه بابت رتبه معینی فرض کنید رتبه ۷ در بین سال شش می بینید که اگر آن کسی را که دارای رتبه ۷ است آن را بردارید و بگذارید در یک نقطه که بیشتر طرف احتیاج است و در بودجه پیش از رتبه پنج برایش پیش بینی نشده است که در آن خیلی بهتر میشود و بهتر درمی آید اینچاه خواهد کرد؟ دست و پای شما بسته میشود نمیتوانید کاری بکنید یا باید بیایید و از برای این قسمت یک مقدمات و یک قانون علیحده بعنوان اصلاح بودجه درست کنید یا اینکه خودتان بفروریت این را انجام بدهید . اما از نقطه نظر ماموریکه میفرمائید ممکن است تزلزل برای او ایجاد کنند این را بنده تصور نمیکنم تفاوتی در قضیه ایجاد کند . اگر بنا باشد بنده وزیر یک آدمی ششم که در هر قضیه آقا یک دیگر بتوانند بمن یک تخمیلی بکنند یک امری بکنند بنده بدون ملاحظه اطراف حاضر بشوم یک کاری بکنم خوب آن مامور رتبه ۷ را از آنجا بر میدارم و یک رتبه هفت دیگر جایش میگذارم یا آن رتبه هفت را بر میدارم و یک رتبه ۵ جایش میگذارم پس در هر حال آن شخصی را که شما میگوئید با این ماده متزلزل میشود او در هر صورت متزلزل هست و ممکن است متزلزل باشد با اگر بعکس بخواهند اشخاصیکه در سرکار هستند بدون دلیل تغییر بدهند (و قی که دلیلی پیدا کرد حتماً تغییر میدهند) آن را هم دلیلش را بعد پیدا خواهند کرد و تغییر میدهند پس اینجا فقط این فایده را دارد که در وسط سال البته زیاد هم اتفاق نمی افتد و البته همانطور که شما میفرمائید هر قدر که ما جلوتر و پیش تر برویم دولت احتیاجات خودش را بهتر میتواند تشخیص بدهد و بهتر پیش بینی میکند که در فلان نقطه چند مامور لازم دارد در مرکز اصفهان یا مرکز شهرهای مهم دیگر حاکم با چه رتبه لازم دارد و از ابتدا پیش بینی میکند لکن در وسط سال

گاهی خیلی کم ممکن است اتفاق بیفتد برای يك مامور پائین تری که شما فقط و فقط این اشکال را بواسطه نبودن این ماده پیدا میکنید محل دارید در بودجه ولی محل این رتبه را ندارید فرضاً محل این رتبه پنج است و این شخصی را که میخواهند بفرستند رتبه شش است البته او باید حقوق کمتر بگیرد و نخواهد گرفت و اگر بخواید بیک شکل دیگری نقل و انتقال بدهید که تا يك همچو ماده خیلی محکمی در اینجا نباشد که نمیشود این کار را کرد اما آن قسمت که آقا میفرمایند در باز میشود بنده همچو خیال میکنم که اگر در آن مواردی که آقا میفرمایند خدای نکرده دولت بخواد سوء استفاده بکند در باز هست و راهش را پیدا میکند و در آن مواردی که صاف و صریح است که باید این اختیار را بهش داد که بتواند برای مملکت کار بکند.

رئیس - آقا باینکه با ماده چهارم موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده پنجم قرائت میشود : ماده ۵ - هیچیک از وزارتخانهها نمی توانند بسمه هر يك از مراتب قانونی در بودجه خود بیفزایند و هر گاه محلی در نتیجه حذف رتبه عالیتری ایجاد شود فقط از محل مزبور می توانند يك نفر از رتبه مادون علاوه نمایند و همچنین هیچیک از وزارتخانهها نمی توانند از اعتبارصدی دو و غیر مترقبه منظور در بودجه مشاغل ایجاد نمایند - اداره تشکیلات نظامیه از مدلول قاعده فوق مستثنی است و می تواند از محل حقوق رتبه عالی تر چند رتبه کوچک تر ایجاد نماید.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این جا آقای وزیر عدلیه توجه بفرمائید همین جور آقای مخبر توجه باین موضوع داشته باشند این ماده متضمن چندین موضوع است يك موضوع اساساً این است که بنده آن روز هم عرض کردم آقای

باسانی هم بمن فرمودند که این موضوع را ما که کار نظر میکنیم و آن موضوع صرفه جوئی است عرض کرد یکی از اقلام درشت بودجه ما یعنی عوائد مان را ملاحظه کردیم همان زحمانی بود که مستخدمین آمریکایی بعنوان صرفه جوئی در بودجه ایجاد کردند و بعد ما آن را تعقیب کردیم عنوان صرفه جوئی يك عنوان مسلمی واقع شد حتی در دوره وزارت مالیه سابق ما همچو قرارداد بودیم هم در کمسیون هم در خا که هر جائی که عنوان صرفه جوئی می آید بول صرفه جوئی همانطوری که سابق می گفتیم پول وقف مقدس است صرفه جوئی را هم گفتیم مثل پول وقف نباید در بزیم مگر برای يك مصارف لازم و فوق العاده و احتیاط و ملاحظه می کردیم ولی در این جا يك عنوان دارد که يك قلم از صرفه جوئی ما را ازین مبردا آن کدام این است که میگوید : هیچیک از وزارتخانهها نمی توانند هر يك از مراتب قانونی در بودجه خود بیفزایند هر گاه محلی در نتیجه حذف رتبه عالیتری ایجاد شود فقط از محل مزبور می توانند يك نفر از رتبه مادون علاوه نمایند. نگاه کنید این جا خوبست صرفه جوئی بکنند اگر حذف کردند صرفه جوئی کنند مگر خورده ایم بحضرت عباس که هر چه بودجه را سال در تحت ماده واحده گذرانیدیم تا آخر سال را بالا بیاوریم ؟ اگر يك محلی را حذف کردیم بگذاشتن باقی باشد. اینجا آقای وزیر عدلیه باز میفرمایند بگذارید دست وزراء باز باشد. دست وزراء را نه دارم باز باشد و بقدری هم باز است که بحدت ایران هم باز تر است ولی هیچ محتاج نیست مگر کرده است که هر جائی که ما تصور میکنیم يك جوئی پیدا میشود حتماً بیائیم و در تحت عبارتی بدهیم که خرج کنند یا بتوانند در آن جا يك دیگری اضافه کنند ؟ برای چه ؟ اول سال که بود را می نویسد احتیاجات خودتان را پیش بینی کرده است که بنده دارم و باید وزارت داخله نوشت

وزیر عدلیه - بنده نمیدانم چطور آقا این ماده را برخلاف صرفه جوئی تشخیص دادند؟ در يك جائی رتبه ۹ در بودجه پیش بینی شده است بعد يك وزارتخانه می آید يك رتبه ۸ لازم دارد جای آن محل رتبه ۹ که در عمل حذف شده است رتبه ۸ که پائین تر است می گذارد این صرفه جوئی نیست آقا؟ بعلاوه اجازه هم ندارند که بجای آن رتبه ۹ دو نفر از رتبه های پائین بگذارند خبر يك نفر بیشتر نمی تواند بگذارد و اگر يك رتبه های بالاتری را حذف کردند بنده يك رتبه سیصد و دوازده تومان را حذف کردند نمی توانند از آن نه رتبه با حقوق سی و دو تومان درست کنند خبر باید يك نفر بیاورند سرکار می خواهد رتبه يك باشد یا دو یا سه یا هشت این پیش بینی برای این شده است که مبدا رتبه های بالا حذف شود و يك عده دیگری را بیاورند سر جای آنها. آنوقت چطور این را بر خلاف صرفه جوئی میدانید؟ بنده عرض میکنم که قرار گذاشتیم اگر يك رتبه بالاتری را آمدند و حذف کردند بجایش يك رتبه پائین تر ممکن است آورد ولی چند رتبه پائین تر که مجموع حقوقش هم تجاوز نکند باز نمی تواند این که درست عین صرفه جوئی است اما در قسمت دوم که فرمودید بنده اصلاً وارد نمی خواهم بشوم از نقطه نظر عادت قانون و اگر پیشنهادی در این زمینه دارید بفرمائید ممکن است پیشنهاد بفرمائید بجای اداره تشکیلات نظامیه نوشته شود بوزارت داخله اجازه داده میشود که در بودجه نظامیه الی آخر این اشکالی ندارد (صحیح است)

رئیس - آقای طاهری موافقت؟

طاهری - بلی. مذاکرات کافی است

رئیس - رای میگیریم بماده پنجم...

مخبر - اجازه میفرمائید؟ آقا سید یعقوب پیشنهادی در

این موضوع دارند و تقدیم می کنند قدری نامل بفرمائید
رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود:

پیشنهاد میکنم در ماده پنجم عوض کلمه اداره
تشکیلات نظمی نوشته شود وزارت داخله در قسمت
تشکیلات نظمی الی آخر.

رئیس - آقای مخبر؟

مخبر - بنده موافقم

وزیر عدلیه - يك مرتبه دیگر قرائت شود

(بشرح گذشته قرائت شد)

رئیس - موافقت؟

وزیر عدلیه - بلی موافقم.

رئیس - آقای دشتی فرمایشی داشتید؟

دشتی - این استدلالی را که این جا آقای آقا سید

یعقوب فرمودند بهیچوجه وارد نیست یعنی ازومی ندارد که در
قسمت قانون بودجه مملکتی اسم اداره نظمی نیاید و لازم
نیست که نظمی يك وزیر مسؤل داشته باشد تا اسمش در
بودجه بیاید. تشکیلات نظمی جزو وزارت داخله است
و بالاخره هیچ دلیل هم ندارد که ما این اسم را تغییر بدهیم بنده
نمیخواهم بگویم که پیشنهاد ایشان بدست ولی این استدلالی را
که ایشان کردند که این جا نوشته شود تشکیلات نظمی
بد است و بهتر است نوشته شود وزارت داخله این
استدلال غلط است و تشکیلات نظمی هم یکی از ادارات
مملکت است و بالاخره يك وزیر مسؤل هم دارد که
آنهم وزیر داخله است و ضرری هم ندارد که اسمش
در قانون بودجه نوشته شود

مخبر - اجازه می فرمائید؟

عده از نمایندگان - رأی رأی

رئیس - رأی میگیریم بماده پنجم با اصلاح پیشنهادی

آقای آقا سید یعقوب که دولت و مخبر هم قبول کردند
موافقتین قیام فرمایند (جمع کثیری برخاستند) تصویب شد.

[۴ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر

امور خارجه]

رئیس - آقای وزیر امور خارجه فرمایشی داشتید

وزیر امور خارجه (آقای فروغی) - بوطبع

خارجه يك لایحه قانونی پیشنهاد بمجلس مقدس می کرد
از طرف هیئت محترم دولت راجع بدیوان داوری بین
المللی که در لایحه منعقد است. البته خاطر آقایین مح
مستحضراست که چندین سال است يك دیوان داوری (يك ع
که در واقع بین المللی است) در لایحه دائر شده است و اساساً
آنهم : يك اساسنامه چند سال قبل از برای آن تهیه
شده بود و حالا يك تغییراتی در آن اساسنامه داده
و اخیراً يك اصلاحاتی در آن بعمل آمده و اکثر دول
تصدیق کرده اند این اساسنامه را و موافقت کرد
با آن. بعضی از دول مهمه که هنوز وارد نشده بود
آنها هم بتدریج وارد میشوند منجمه دولت آنروز
آمریکای شمالی است. اخیراً يك پروتکلی ترتیب داده
شده که با موافقت آن پروتکل دولت آمریکا هم را
این محکمه بین المللی میشود این اساسنامه و پروت
ها با مضای دولت ایران رسیده است و حالا موقع
است که مجلس شورای ملی نظر خودشان را ملاحظه
کنند و تصویب بفرمایند این است که تقدیم میکنم
(تقدیم مقام ریاست نمودند). اما راجع با موافقت
هم خاطر آقایان محترم مستحضراست که ما عهد نامه های
از قدیم داشتیم و با مقتضیات حالیه مملکت
غیر متناسب بود فسخ کردیم و بنا شد با دول خار
عهد نامه های جدیدی ببندیم. البته عهد نامه های قدیم
عهد نامه های مودت است که آن بجای خودش بحث دیگر
است و اول چیزی که بنظر میرسد بعد از آنکه با يك
عهدنامه مودت بسته شد و رابطه سیاسی برقرار
آلوقت مهم ترین چیزها عهدنامه تجارتي است (صحیح است)
ما با بسیاری از دول هم عهد نامه تجار
بسته ایم. منجمه یکی از لوازم کار تجارت و
نامه تجارت قرار داد گمرکی است با بسیاری از
هم قرارداد گمرکی داریم و با بعضی از دول از

و هم عهدنامه (یکی تجارتي و یکی گمرکی) یکی را داریم و
یکی را نداریم و با بعضی از دول هم عهدنامه تجارتي نداریم
اساساً عهد نامه بسته شده است این جا دولت
تجه کرده است باینکه وقتی که با يك دولتی عهد نامه
تجارتي نداشته باشیم اهم از اینکه عهد نامه گمرکی داشته
باشیم یا نداشته باشیم تکلیف تجارت ما با آن دولت
چیت؟ در این خصوص هم که تکلیف دولت باید
معلوم شود (صحیح است) نظر خود دولت این است
که با آن دول باید بای نحوکان اساس معامله و تجارت
داوری اساس معامله متقابل باشد (صحیح است)
لا روی این اصل يك لایحه قانونی تقدیم مجلس
شده میکنم (صحیح است) لایحه را تقدیم مقام
ریاست نمودند

مذاکره در لایحه متمم بودجه مملکتی از ماده ۶

رئیس - ماده ششم قرائت میشود:

ماده ششم - مامورین و مستخدمین رسمی دولت
از صندوقهای خارج از خزانه دولت حقوق دریافت
نکنند مثل مستخدمین بانک ملی وغیره مکلف بتادیه
مورد تقاعد می باشند و خدمات آنها بر طبق قانون
تخدام کشوری جزو خدمت رسمی محسوب خواهد شد
رئیس - آقای طاهری.

طاهری - موافقم. مخالفی نیست.

رئیس - رأی میگیریم بماده ششم موافقتین قیام فرمایند.
(اکثر قیام کردند)

رئیس - تصویب شد. ماده هفتم قرائت میشود:

ماده هفتم - چنانچه مقتضیات انجام نمود یکی از
نمایندگان کشوری اتفاقاً بصاحب منصبان لشکری رجوع
بصاحب منصبان مزبور در مدت تصدی خود حق دارند
بر حقوق خود را تا میزان حقوق شغل کشوری
در بودجه آنوزارتخانه منظور شده است دریافت نمایند
رئیس - آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب - این جا آقای باستانی توجه بفرمائید

می نویسد: چنانچه مقتضیات انجام نمود مثلاً در يك
جائی يك امیر لشکری را ایالت دادید با سرهنگی را نایب
الحکومه کردید این جا حقوق آن ایالت را میگیرید یا
حقوق آن نایب الحکومه را میگیرد خوب این حقوق را
از بودجه وزارت جنگ خواهد گرفت یا از آن وزارت خانه
که شغل آن وزارتخانه را دارد؟ این جا عبارت طوری
است که از آن وزارتخانه که شغل آن را دارد میگیرد
یا از وزارت جنگ معلوم نیست... (دشتی - چرا از
ان وزارتخانه میگیرد). آقای دشتی صبر کنید توجه بفرمائید
این جا می نویسد تفاوت را میگیرد اما از کجا؟ معلوم نیست
اگر چه این (دشتی - از وزارتخانه که شغل آن را
دارد دیگر) چیزی نیست ولی بنده برای توضیح عرض میکنم
اینجا می نویسد. چنانچه مقتضیات انجام نمود که
یکی از مشاغل کشوری اتفاقاً بصاحب منصبان لشکری رجوع
شد صاحب منصبان مزبور در مدت تصدی خود حق
دارند تفاوت حقوق خود را تا میزان حقوق شغل کشوری
که در بودجه آنوزارتخانه منظور شده است دریافت
نمایند خوب آیا از وزارت داخله یا از وزارت جنگ
(دشتی - وزارت داخله) و این معلوم نیست

وزیر عدلیه - اینجا گمان میکنم آقا احتیاطاً این
عنوان را کشیدند جلو. ضرری ندارد وای بنده عرض
میکنم مقصود آن وزارتخانه ایست که شغل آن را دارد
مثلاً از وزارت داخله که آقا مثال زدند نه از وزارت
جنگ از محل همان وزارتخانه که شغل آن را اداره می کند
رئیس - موافقتین با ماده هفتم قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده هشتم:

ماده ۸ - پرداخت وجوه (غیر از وظیفه و انتظار
خدمت) فقط در ازاء خدمت و با اشیاء و ملزوماتی
که خریداری میشود بعمل خواهد آمد و بعنوان انعام
باهدیه یا مخارج سری جز آن چه از اعتبارات دولت
اجازه داده شده پرداخت نخواهد شد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب .

آقا سید یعقوب - این جابرای توضیح عرض میکنم نوشته است در ماده هشتم : پرداخت وجوه غیر از وظیفه و انتظار خدمت . در صورتیکه در کتاب بودجه ما غیر از این عنوان يك چیزی هم است و آن شهریه است آیا آنرا هم جزو وظیفه میگیرند یا نه؟ در صورتیکه بعقیده بنده وظیفه صیغه اش غیر از صیغه شهریه است (دستی - یکی است) غرض این است که وزارت مالیه اشکال می کند و خوب است نوشته شود غیر از وظیفه و شهریه و انتظار خدمت چون صیغه وظیفه غیر از صیغه شهریه است و در بودجه هم جدا نوشته میشود بدو جمله و دو صیغه می نویسند . قطع نظر از اینکه بنده که در کمیسیون بودجه بودم يك مخارجی هست مثل روشنائی و غیره که خود هیئت وزراء پیشنهاد کردند و از کمیسیون هم گذشته است اینها جزو کدام صیغه است شهریه است وظیفه است چیست؟ بنده عقیده دارم که نوشته شود مطابق آنچه که در کمیسیون بودجه مطابق آن کتاب ثبتی که همیشه داشتیم . چرا؟ برای اینکه در موقع عمل خزانه داری گیر نکنند و اشکال پیش نیاید و نظرم این است که توضیحی داده شود تا در مقام عمل اسباب اشکال نشود و گیر نکنند بنویسند در ازاء خدمت یا اشیاء یا ملزومات که خریداری میشود . نظر بنده توضیح است

وزیر عدلیه - اولاً بنده با توضیحی که از طرف دولت در این جا میدهم گمان نمیکنم اشکالی باقی بماند توضیحی که بنده عرض می کنم این است که : البته شهریه را که شامی فرمائید این شهریه را ما بطور وظیفه بمعنی اعم تلقی می کنیم یعنی وظیفه را بمعنی اعم میگیریم و شهریه هم جزو آن است همینطور امثال آن ولی در حال يك عده از آقایان نمایندگان پیشنهادی کرده اند آن پیشنهاد می آید و قرائت میشود و مطلب را روشن میکند رئیس - پیشنهاد آقای فهیمی قرائت میشود :

بنده پیشنهاد می کنم ماده ۸ بطریق ذیل نوشته شود ماده ۸ - پرداخت وجوه غیر از حقوق تقاعد

انتظار خدمت و شهریه و مستمریات فقط در ازاء خدمت الی آخر ماده .

فهیمی - بلی چون لفظ وظیفه يك قدری اعم است و شامل مستمریات و شهریه و غیره میشود و گاهی از اولاد هم دیده ایم که در مالیه فقط اختصاص میدهند . مستمریات لذا برای توضیح مطلب بنده پیشنهاد کردم که نوشته شود تقاعد انتظار خدمت شهریه و مستمریات که اشکالی پیش نیاید این چهار قلمی که خدمت معینی در مقابل ندارد اینها را بنده تصریح کردم و غیره از اینهم حقوق دیگر که بدون خدمت باشد در نظر نیست .

مخبر - بنده موافق هستم ولی بایک توضیحی راجع آن است که حقوق تقاعد اعم از این است که باشخاص داده میشود یا بورئه شان که اصطلاح آن قانوناً عوض میشود و تبدیل بوظیفه میشود (مطابق قانون وظایف) البته ایشان هم همین است (فهیمی - صحیح است) که آن يك نفر فوت شد و متقاعد بود وظیفه اش که بورئه میرسد و مطابق قانون وظایف من باب وظیفه باو میدهند آنرا هم شامل بشود در هر صورت با توضیحاتی که آن وزیر عدلیه دادند بنظر بنده میشود با این پیشنهاد موافقت کرد و اشکالی ندارد .

رئیس - موافقین با ماده هشتم با افزایش پیشنهاد آقای فهیمی و قبول آقای مخبر قیام فرمایند . (جمع کثیری قیام کردند)

رئیس - تصویب شد . ماده نهم ماده ۹ - حد اقل مقرری رتبه اول مستخدم کشوری ۳۲ تومان و حد اقل رتبه اول قضائی تومان میباشد

رئیس - مخالفی ندارد (اظهاری نشد)

رئیس - موافقین با ماده نهم قیام فرمایند . (عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده دهم ماده ۱۰ - وزارتخانهها مکلفند نسبت بکلیه لواحق و بودجه و اعتباراتی که تمهید میشود از نقطه نظر مالی قبلاً موافقت وزارت مالیه را جلب نمایند

رئیس - مخالفی ندارد . موافقین با ماده دهم قیام فرمایند . (اکثر قیام کردند)

رئیس - تصویب شد ماده یازدهم : ماده ۱۱ - طرز وصول عوائد دولتی اعم از مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم بر طبق نظامنامه های مصوب هیئت وزراء خواهد بود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب اینجا خوشحالی اینست آقایان وزراء تشریف دارند يك موضوعی را امروز روزنامه ایران و بعضی روزنامهها نوشته بودند مخصوصاً جلب نظر آقای وزیر عدلیه را در این موضوع میکنم که نظر داشته باشند بمأمورین که در فساد عمل و طرز وصولشان چه چیز است . در فساد من این را ناچارم عرض کنم غیر از شما و غیر اینها و غیر از شما وزراء که جای دیگر را ندارم .

خوشه چین : وقتیکه خرمن درو شد يك عده بودند و خوشه چینی میکنند عقب آن کسانی که درو میکنند يك عده فقیر هستند که خوشه چینی میکنند و باغهای انکور که انکور چینی میکنند و آن انکور باواپسک و میوه ها یا خوشه که در اطراف ریخته باقی مانده آن را جمع آوری میکنند و میبرند این نظام دنیا مرسوم است و آزاد هم هست و نسبت کمالات و فقر این ارفاق را میکنند . در فساد وقتی که درو کردند عقب سر آن يك کسی که آمده تریاک را

گرفته و رفته پدری آمده تریاک را تیغ زده و گرفته و رفته بعد می آید که وایزک آن تریاک را جمع آوری کند (باصلاح خودمان است وایزک آقای کازرونی) آزاد هم هست (کازرونی - بلی صحیح است میدانم) و این پسر بقدر يك مثقال یا دو مثقال تریاک گرفته است مامور آنجا اورا بقدری زده است که مردکه مرده است نه اینکه دروغ بگویم آقا حقیقه مرده است شکمش پاره شده است و این جور سرش آمده است (کلالی - در روزنامه نوشته شده است که بلی . بلی در روزنامه نوشته شده است گرچه میدانم آقای وزیر عدلیه و وزیر داخله در این باب تعقیب خواهند کرد و امید وارم که در آتی هم این جور کارها واقع نشود و عادم النظر باشد ولی بعد از آنکه واقع شد دولت باید اینها را در نظر داشته باشد و انسان هم ناچار است که اینها را بگوید و دولت را توجه بدهد بمأمورین خودش که در خارج از مرکز در اطراف و اکناف مملکت هستند چون این ماده راجع بطرز وصول بود این بود که ناچار شدم این عرض را بکنم در ماده ۱۱ نوشته است طرز وصول عوائد دولتی اعم از مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم بر طبق نظامنامه های تصویب هیئت وزراء خواهد بود و بنده اعتبار اینکه در پرگرام وزراء رای داده ام و مطمئن هستم که نظامنامه هایی را که مینویسند مواظب این مسئله هستند که خلاف قانون نباشد لکن بنده میدانم . چطور شده است که در نظامنامه طرز وصول مأمورین را درست معین نکرده اند که اگر آن مامور مرتکب خطا یا خبطی شد و فشاری بمردم آورد چطور مجازات باید بشود این جا در ماده فقط نوشته شده است که بر طبق نظامنامه مصوب هیئت وزراء این جا بنده چون آن نظام نامه را ندیده ام و این عمل را هم دیده ام که مرتب بر اجرا و طرز وصول شده است نمیدانم چه میشود؟ باز برای اطلاع خودتان عرض میکنم آقای وثوق تشریف دارند عرض میکنم نان را نمی گذارند از بیرون بیایند نوب شهر خیلی خوب مردکه مازندران

نان خربده بود می خواست برود بیرون دم دروازه جلوش را گرفته بودند . نانی که خربنده بود نمی گذاشتند برود !! گفتم آقا نان را از این جا میشود برد از خارج میگوئید نباید خوب ولی از اینجا که میشود برد چرا نباید برود ؟ دو ساعت داد و قال بود . سر آوردنش اجازه می خواهد بردنش که دیگر اجازه نمی خواهد بابا از اول توجه بفرمائید آقا این يك عملیاتی است که در موقع عمل میشود حالا ولو بی مرحتی بفرمائید بنده دست از عرض بر نمیدارم و تذکر میدهم ناچارم بگویم وبوزراء تذکر بدهم عرض بکنم که دست این مامورین سیئی العمل را کوتاه کنند و شر آنها را از سر مردم رفع کنند که مردم راحت و آسوده شوند و آنها را بکلی از بین ببرند . این عواطف پادشاه این توجهات وزراء این زحمات مجلس شورای ملی برای راحتی مردم ولی این کار مامورین !! آخر می خواهید چه بشود ؟

وزیر عدلیه - خوب آقا اینهایی که می فرمایند همه بجای خود صحیح و البته مامور اجرا بایستی که شعور داشته باشد و بی غرضانه و بی طرفانه عمل بکند و بایستی که قانون را در نظر بگیرد و بس و مطابق قانون آن حکمی را که بهش کرده اند آن را اجرا کند و اگر يك ماموری پیدا شد بر خلاف قانون يك عملی کرد يك کسی را زد و يك کسی را کشت برای آنها هم يك قوانین سختی هست و مجازات هم خواهد شد و روهم برفته خودتان تصدیق میفرمائید بنده هم ناچارم عرض کنم که از مدتی پیش باینطرف شما می دانید که نسبت به مامورین دولت روهم برفته نمی شود گفت اغماض میشود هیئت های تقنیشیه هست که اینطرف و آنطرف فرستاده می شوند (کازرونی - تنها راجع باختلاس) نه اینطور نیست تنها از حیث اختلاس نیست در موارد دیگر هم همین طور است منتهی جرمی است که دولت باید مطلع شود يك کاری شده است تا بتواند تعقیب کند و از برای اینکه کاملا مطلع شود از برای اینکه مبادا يك کار هائی بشود که دولت مطلع

نشود مامورین تقنیشیه میروند تقنیش میکنند برود میدهند و تادرجه هم که مسائلی پیش میاید و مگر است این مسائل تعقیب بشود تمام این مسائل تفهیم میشود و وقتیکه معلوم شد يك کسی کار کرده است آن کس را میگیرند مجازات میکنند مگر آقا فراموش کردید در چهار ماه پیش از این رئیس و چند نفر از اعضاء ما کرمان (مگر برای اختلاس بود) که محکوم شدند اینجا بدو سال حبس برای تعدی بود از برای این بود اشخاصی را گرفته بودند و اذیت کرده بودند اشخاص پول از شان گرفته بودند و اینطور نیست که دولت بانظر لایق نگاه بکند . هر کس هر کاری کرده است بکند مسلم هر طوری که بدجنانه در بین افراد ناس در ایران و خارج ایران کسانی پیدا میشوند که بمحقق دیگران تجاوز میکنند اشخاصی پیدا میشوند که تعدی میکنند اشخاص پیدا میشوند که تجاوز میکنند بمحقق دیگران و مالک را میبرند و قتل نفس میکنند همانطور هم در بین مامورین در ممکن است يك اشخاصی باشند که يك خلافی مرتکب بشوند ولی هیچکدام از اینها آيا مربوط است هست که مطابق نظامنامه کار نمیکند هیچکدام از اینها را میشود تصور کرد که در يك نظامنامه بردارند بنویسند که شما لازم است وقتی میروید از کسی مالیات وصول کنید بطوری پس گردنی بزنید که چشمش از حد فرود بیاید اینطور نیست نظامنامه البته يك مواردی را عدم کرده است پس بنا بر این بنده گمان میکنم شما با ماده موافق هستید منتهی خواستید تذکری داده بشود و هر موردی که با اطلاع آقا رسید ما آن مأمور را معذرت تعقیب میکنیم همین الان چند دقیقه قبل از اینکه بنده بیایم سه نفر مأمور از نقاط تقریباً سی و چهار فرسخ طهران معین شده اند بروند برای يك شکایتی که يك نایب الحکومه کرده اند خوب چه قدر میشود تعقیب کرد دیگر ؟ (صحیح است)

رئیس - آقا ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم این ماده در لوایحی که سابق در لوایح بودجه که تقدیم شده بود و خبرش بمجلس میاید ابتدا نبود و این ماده جدیدی است که در این لایحه و خبر افزوده شده و بنظر بنده این ماده خوب است باشد ولی صورت مخصوصی باید بخودش بگیرد این معنی که بنده شخصاً در طرز عمل مامورین عرضی ندارم ولی در طرز تدوین نظامنامه اش نظر دارم یکوقت هم يك لایحه در فرا کسیون آوردند که مربوط باین لایحه بود و مذاکره شد که يك قانون خاصی از برای این نوع بکنند این بود که آن لایحه همینطور در فرا کسیون ماند و تقدیم مجلس شد بنده نمیدانم چه ضرورتی باین لایحه است که این ماده در این لایحه باشد در صورتیکه لوایح سابقه نبوده است خواست ضرورت این را آقای وزیر عدلیه توضیح بدهند در صورتیکه در لوایح سابق نبوده است چه ضرورتی دارد و طرز وصول مالیات اصلاً يك طرز وصولی است که سالها در این مملکت معمول بوده است اگر يك طرز خاصی میخواهند در نظر بگیرند البته این بعقیده بنده يك چیزی است که باید مجلس هم درش نظر داشته باشد البته این عمل اعتماد مجلس است ولی یکی از قسمتهای حساسی است که بعقیده بنده وقتی که میخواهند طرز وصول مالیات تغییر بدهند و نظامنامه جدیدی بخواهند تهیه کنند این را با اطلاع مجلس باید تهیه کنند که ما اطلاع داشته ایم لااقل نظری داشته باشیم تا بفهمیم چه جور است و وقت خبر نشویم يك نظامنامه نوشته اند که برای تولید زحمت و مشکلات شده باشد (کازرونی - صحیح است) بعضی مطالب بعقیده بنده باید مشخص باشد اینجا بنده عرض میکنم مثلاً فرض کنید يك وقت مأمور مالیه میاید از يك مؤدی مالیاتی مطالبه مالیات بکند شاید در نظامنامه قید شده باشد در صورتیکه باید مالیات بدهد این را باید بیاورند و توقیف شد و از این مالیات را بگیرند در صورتیکه ملک مالیات بدهد و اگر مالیات دهنده مستنکف باشد

باید راجعه بمملک کنند نه بشخص (کازرونی - صحیح است) البته معمول دولت این نیست ولی بنده در این لایحه همچو خیال میکنم که ما بطور کلی اینطور اختیار بدهیم شاید يك قدری در عمل اسباب اشکال بشود فرض بفرمائید یک نفری است در فارس آنجا نشسته است مامورین مالیه هم تماماً مأمورینی هستند که ممکن است خیالی هم عملشان مورد تصدیق نباشد با تمام این تزییناتی هم که شده است دیوان جزای عمل دولت هم درست شده است معذرت آن مامور تحصیلدار خود سری که در یکی از قطعات مملکت هست و ماهی بیست تومان هم حقون میگیرند آن اصلاً مقید این نیست که اگر آوردنش اینجا و شش ماه هم در نظمیة حبس کردند مقید نیست او می رود آنجا و يك بیچاره را که يك حقیقی و ششونی دارد میگیرد و توقیف میکند در صورتیکه او باید مالیات بدهد و اگر مالیات نداد برود از ملکش بگیرد خودش را که نباید بگیرد و توقیف کند بنظر بنده این مسائلی بود که خواستم بعرض مجلس و مخصوصاً آقایان برسانم و تصور میکنم اگر يك اصلاحی در این ماده بشود بهتر باشد .

مخبر - اگر نظر آقای ملک مدنی باشد چندی پیش دولت برای وصول مالیاتها يك لایحه آورد و این لایحه ارجاع شد بکمیسیون عدلیه و اعضاء کمیسیون عدلیه تصویب این لایحه را از صلاحیت خودشان خارج دانستند و اظهار کردند که این را باید کمیسیون مالیه رسیدگی بکند و کمیسیون های مربوطه این قضیه مسکوت عنه ماند ولی مادام که آن لایحه از مجلس شورای ملی نگذشته است تصدیق میفرمائید که دولت باید بيك ترتیبی مالیاتها را وصول کند البته يك نظاماتی میخواهد بيك نظامات اداری میخواهد بيك نظاماتی که تنها وزیر مالیه وضع بکند و هیئت وزراء تصویب کند و اجرا شود اما در قسمتی که فرمودید که مامورین مالیه بيك کسی را برای تادیه مالیات توقیف بکنند همچو

چیزی نیست مطابق اصل دهم قانون اساسی هیچکس را نمیشود توقیف کرد مگر بحکم رئیس عدلیه یا در مورد جنحه و جنایت. اگر در امور جنحه و جنایت بود غیر از رؤسای عدلیه هم میتواند توقیف کنند رئیس مالیه خودش شخصاً توقیف کند این حق را ندارد مگر يك قانونی بالصرحه این اجازه را بدهد (کازرونی - همین قانون) و تصریح شده باشد که امنای مالیه میتوانند برای گرفتن مالیات کسی را توقیف کنند این ممکن است ولی اگر تصریح نشده باشد مأمورین مالیه نمیتوانند هیئت وزراء هم چنین نظامنامه بر خلاف قانون وضع نمیکند امین مالیه هم همچو اقدامی نمیکند اگر کرد باید تعقیب جزائی بشود مثل سایر تعقیبات قانونی برای تعدیاتی که میشود.

وزیر عدلیه - لازم میدانم عرض کنم که نوشته میشود و نظامنامه البته نظامنامه باید يك چیزی باشد که یا در حدود قوانینی که راجع بآن موضوع است یا در حدود قوانینی که برای آن کار است حق توقیف يك حقی نیست که در ضمن يك نظامنامه يك کسی بتواند بردارد بنویسد مگر اینکه يك پایه قانونی در يك جائی داشته باشد یعنی در يك جای قانون نوشته شده باشد و این مأمور بیاید با این مقدمات يك چنین اقدامی بکند و الا يك نظامنامه ممکن نیست نوشته شود که از برای وصول مالیات بمؤدی رجوع کنند و اگر نداد توقیفش کنند پس بنا بر این بنده گمان میکنم که هیچ تکرانی نباشد و با توضیحاتی که ایشان دادند بشما اطمینان میدهم که اگر يك مأمور مالیه روی نظامنامه بخواد این کار را بکند مطابق قوانین قابل تعقیب جزائی است و بایستی که عدلیه او را تعقیب کند

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - در ماده یازده بنده

رئیس - آنجا که شما صحبت میکنید برای تند

نویسها زحمت دارد

دهستانی - (در پشت کرسی نطق) - در ماده یازده عقیده بنده این بود که همانطور که آقای آقا سید یعقوب فرمودند هر محلی يك وضعیتی دارد باید نظامنامه که بتصویب وزراء میرسد بمقتضیات همان محل باشد این قسمت پیشنهادی هم تقدیم کرده ام ولی در قسمت تاسف آقای آقا سید یعقوب راجع به طفلی که خوشه چین بود است و تلف شده است اظهار فرمودند اولاً گمان نمیکند که این مطلب صحت داشته باشد (آقا سید یعقوب - از خودم در نیاردم در روزنامه است) فرض آنکه باشد فراموش نفرمائید تاسف آنجا بود که در همین شهر قره سورهائی که امنیه شما بودند مردم را می بریدند و متشکر باشید از وضعیت امروزه که هیئت تقنینیه در تمام نقاط مملکت و قانون مجازات عمومی عدلیه بخصوص حکمفرما است (همهمه نمایندگان - رئیس) پس از آقا خواهش دارم که این تاسف را داشته باشید که قائل معدوم نشود و قصاص نشود.

رئیس - آقای طهرانی مخالفید؟

طهرانی - بلی

رئیس - آقای کازرونی مخالفید؟

کازرونی - بلی

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - مخالفم

رئیس - آقای طهرانی

طهرانی - عرض کنم این جا ماده ۱۱ چون

شده است که طرز وصول عواید دولتی اعم از مالیات مستقیم و غیر مستقیم بر طبق نظامنامه های مصوب دولت خواهد بود این جا مخصوصاً در خصوص مالیات ها قید شده است که مطابق نظامنامه است

باز لازم میدانند که این عبارت را بنویسند برای اینکه خاطرشان مطمئن باشد بنویسند در حدود قوانین مملکتی عیب و اشکالی ندارد بنده هم موافقم (صحیح است) برای اینکه محرز است که در حدود قوانین مملکتی هیچ نظامنامه نمیتواند بیاید و طرز معین کند این نوشته شود جمعی از نمایندگان - کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی قرائت میشود :

مقام منبع ریاست معظم دامت عظمته

ماده یازده را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم

ماده ۱۱ - طرز وصول عواید دولتی اعم از مالیاتهای

مستقیم و غیر مستقیم بر طبق نظامنامه های مصوب هیئت

وزراء که بمقتضیات هر محلی تنظیم میشود خواهد بود

دهستانی - توضیح بنده همان بود که عرض کردم

اگر آقای مخبر موافقت بکنند ...

رئیس - استرداد کردید؟

دهستانی - کنتم اگر آقای مخبر توضیح بدهند

استرداد میکنم

مخبر - چون ایشان پیشنهاد کردند که نظامنامه را

بمقتضیات هر محلی بنویسند تصدیق میفرمائید عملی نیست

و نمیشود با این پیشنهاد موافقت کرد که در هر جائی

يك نظامنامه بنویسند حالا شاید در تعقیب پیشنهاد ایشان

پیشنهاداتی شده باشد که منظور ایشان را تأمین کند

خوب است مسترد بفرمایند

دهستانی - مسترد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای طهرانی قرائت میشود

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی

در ماده یازده پیشنهاد میکنم آخر ماده اضافه شود

مشروط باینکه مواد نظامنامه مخالف با قانون مصوب نباشد

وزیر عدلیه - اجازه میفرمائید پیشنهاد های دیگر

را هم بخوانند

رئیس - پیشنهادی در اینموضوع از آقای فهیمی رسیده است قرائت میشود
بنده پیشنهاد میکنم که ماده یازده بطریق ذیل نوشته شود

ماده ۱۱ - وصول عواید دولتی اعم از مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم بر طبق نظامنامه هائی که هیئت وزراء در حدود قوانین تصویب مینمایند خواهد بود

مخبر - بنده موافقم با این پیشنهاد آقای فهیمی

رئیس - نظر دولت هم موافق است؟

وزیر عدلیه - بنده هم موافقم

رئیس - (خطاب به آقای طهرانی) شما هم اقتناع می شوید؟

طهرانی - بلی

رئیس - پیشنهادی هم از آقای زوار رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۱ بجای مصوب هیئت دولت نوشته شود کمیسیون پارلمانی قوانین مالیه

رئیس - آقای زوار

زوار - عرض کنم این پیشنهاد چندان بی سابقه هم نیست در کمیسیون داخله راجع ببلدیه ها يك همچو نظامنامه آوردند و در آنجا تصویب شد و این پیشنهاد بنده هم از نقطه نظر اعتماد به عمل دولت است چون يك عمل مالیاتی است که وصولش يك تماسی با مردم دارد و از قضای اتفاق مأمورین سابق مالیه هم يك خاطره هائی از خودشان گذاشته اند که بعضی مردم از آنها شاکی بودند یکی از آنها خود بنده بودم که شاکی بودم و لہذا ممکن است هیئت دولت در موقعی که نظامنامه را مینویسد شاید مشغول کارهای دیگر باشند و گرفتاریشان زیاد باشد لہذا بنده مانعی نمی بینم که هیئت دولت

نظامنامه را بیاورند به کمیسیون مالیه و در آنجا نظامنامه را تدوین کنند

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - بنده نه فقط در این مورد بلکه در کل

نظامنامه هائی که بتصویب کمیسیون برسد مخالف نظامنامه عبارت از دستورانی است که برای اجرای قانون نوشته میشود مجری قانون هیئت دولت است مجلس باید قوت

بنویسد بعد وزارتخانه مربوطه نظامنامه را بنویسد و نظارت میکند که قانون بر خلاف منظورش اجرا نشود و مسؤول اجرا دولت است. نظامنامه ها را باید در

بنویسد زیرا مجلس و کمیسیون هائی که نظامنامه ها تدوین میکنند اینها داخل در عمل نیستند مهارت این کار ندارند که بتوانند نظامنامه اجرای قانون

آنچیز که لازم است بنویسند مخصوصاً نظامنامه که برای اجرای قوانین مالیاتی و طرز وصول مالیات است و وزارت حق دارد هر طور که بجاست طرز اقساط طرز تقسیم

قسط اول. دوم. جریمه. اخطار. هر چه هست اینها مجلس میتواند در قوانین خودش اشاره کند ولی مسؤول اجرا و نوشتن نظامنامه با خود دولت است و آقای زوار

هم باید این نظر بهر کاملارعايت بفرمایند که دولت مسؤول اجرا را بگردن خودش بگیرد نه اینکه بگوید بگردن مجلس افتاده است پیشنهادی که ایشان کرده اند گمان میکنم چندان اثر خوبی داشته باشد

کازرونی - اصل این ماده زائد است.

آقا سید یعقوب - صحیح است.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای زوار را قابل قبول میدانند قیام فرمایند

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای فیروززاده هم در ضمن پیشنهاد آقای فهیمی تأمین شد مقصودش شده است.

فیروز آبادی - بسیار خوب

رئیس - موافقین با ماده یازده آقای آقا سید یعقوب پیشنهادی دارند

آقا سید یعقوب - بلی پیشنهاد دارم:

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم ماده یازدهم این نوع اصلاح شود: وصول عوائد دولت بعهده وزارت مالیه است

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - اصل نظر بنده این است که اگر میخواستم پیشنهاد حذف بکنم مقام ریاست میفرمودند باید موقع رأی معلوم میشود اصل عقیده بنده این است که این ماده هیچ محتاج الیه نیست چرا؟ بعلمت اینکه

مالیاتی که ما مینویسیم مجلس مینویسد و بدست دولت میدهد دولت هم بر طبق عملیات خودش نظامنامه باید بنویسد ما که نباید بنویسیم که هیئت دولت در اطاق

مجلس خورشید نشانی چه جور ترتیب بهار خوری بدهند یا نظامنامه برای تشکیل جلسات که چه جور تشکیل بدهند جلسات هیئت وزراء چه جور باشد اجرائیات هم بدست خودشان است تمام کارها تقسیم شده است مجلس مقننه

است دولت قوه مجریه است اینها از هم دیگر تفکیک شده است و این تفکیک شدن نمیدانم هیئت وزراء چه مرحمتی ما دارند که در يك جاهائی که خیلی لگد خور است بیاورند بگردن ما میگذارند آن چیزها که گردن ماست

بگذاریم را بگذارید برای ما باشد ما دیگر نمیخواهیم بنده چون اساساً با این ماده مخالف بودم و يك بیاناتی آقای ملک مدنی کرد که بنده حقیقتاً خیلی تقدیس می

کنم نظر ایشان را و مستحضر شدیم مخصوصاً در دو ماه قبل به آقای وزیر عدلیه هم خبر دادم که رئیس مالیه بزرگان بدون اطلاع رفته است اموال مردم را توقیف کرده است جنس مردم را نبود کرده است جوابش از

بین رفته است خوب با این مسئله چه کار داریم ما این را بنویسیم باید بنویسیم که وصول مالیات با وزارت مالیه است ما دیگر چکار داریم خودشان میدانند چه جور عمل کنند نظامنامه هم بعهده خودشان باشد اختیارات با خودشان باشد این را بنظر بنده از حیث اینکه مخالف با اصل این ماده بودم پیشنهاد کردم و این ماده محتاج الیه نیست اگر هست بگوئید وصول بعهده مالیه است و اگر این هم محتاج نیست حذفش کنید. این بود پیشنهاد بنده

مخبر - بیاناتی که فرمودند راجع باینکه وصول عواید با وزارت مالیه باشد این عملی نیست برای اینکه سایر وزارتخانهها هم ابواب جمعی دارند و تنها مأمور وزارت مالیه را نمیشود گفت مأمور وصول باشند (آقا سید یعقوب - وصول عوائد با وزارت مالیه است) مأمورین ثبت اسناد یا مأمورین وزارت پست و تلگراف يك عوایدی را وصول میکنند بسهولت منتهی در این قانون ما يك پیش بینی کردیم که این عوائد را جمع کنند بدهند بوزارت مالیه و دیگر در طرز وصولش وزارت مالیه هیچ مداخله ندارد ممکن است يك نظارتی داشته باشد یعنی وزارت مالیه نمیتواند بگوید چه وقت شما این سیصد دینار را بگیری و این عواید را تمر کنید وزارت مالیه اصلاً نمیتواند دخالت کند وصول و ایصال و تمام این کارها با خود وزارتخانه است اما اینکه فرمودند که در فلانجا توقیف کرده است محصول را توقیف محصول از طرف مأمور مالیه در نتیجه امتناع یا استنکاف مؤدبان مالیاتی محصولی را باید از آن مالیات بگیرند توقیف کنند از نقطه نظر عمل خودش هیچ اشکال ندارد و باید مالیات را وصول کرد اینکه مذاکره شد راجع به موردی بود که شخص مؤدی را نباید توقیف کرد و الا ملک را که مالیات باید از آنجا گرفته شود یا محصول ملک اشکالی ندارد آقا سید یعقوب - بنده استرداد میکنم

رئیس - رأی میگیریم بماده یازدهم با اصلاح پیشنهادی

آقای فهیمی که قبول شد موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوازدهم قرائت میشود ماده ۱۲ - خالصه و مستغلات دولتی از پرداخت حق الثبت که بر طبق قانون مصوبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۶ از املاک اربابی بایستی دریافت شود معاف خواهند بود رئیس - آقای طاهری

دکتر طاهری - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا بنده از آقای وزیر عدلیه تشکر می‌کنم این است که همان تضحیاتی که آنجا داریم باید کاملاً مواظبت کنیم هیچ استثنائی قائل نشویم وقتیکه دولت در نظر گرفت یک مالیاتی را وصول کند فرق نباید بگذارد بین اموال دولتی و سایر مردم. چرا؟ چون این راجع بهمان حق حاکمیت دولت است حاکمیت دولت این است که وضع مالیات را پیشنهاد مجلس کند خوب اینجا مادیرنگر نباید بگوئیم مستغلات و خالصجات دولتی خارج از این حکم اند اگر اساساً وضع مالیات فلسفه دارد و مالیات حق الثبت یک فلسفه دارد و برای مملکت باید نسبت بخالصجات و مستغلات هم ملاحظه شود اگر فلسفه ندارد اصلاح وضع کردنش غلط است بعد از آنکه ما حق الثبت را شروع دانستیم از برای املاک نفس املاک را مشروع دانستیم که حق الثبت برایش قرار بدهیم این باید در نظر قانون گذار و در نظر دولت فرق نکند که مال دولت است یا مال مردم است این است که من مخالفم.

وزیر عدلیه - بنده نمیدانم اساس قضیه فرقی چه خواهد بود دولت باید از یک دست بیاید و بعنوان حق الثبت املاک خودش یک پولی را بدهد بعد از دست دیگر بعنوان مأمور ثبت یک پولی را بگیرد. قضیه این است

وما از برای اینکه بیخود يك مقدار وقتی را صرف اینکار نکنیم باشیم آمدیم و این کار را کردیم و خیلی سهل است و بنده يك چیز دیگری را گفتم که یکی از آقایان پیشنهاد خواهد کرد گرچه بضرر اداره ثبت است ولی در هر حال لازم است و آن راجع ببلدیه هاست که املاک بلدیها مستثنی باشد بجهت اینکه مالیات بلدیها يك قسمت آنهاست است که دولت تکم میکند و يك قسمت عوارضی است که از مردم میگیرند ما اگر بیاییم يك حسابی را از يك دست بگیریم و بدست دیگر بدهیم کار بزرگی نکرده ایم بنا بر این این عنوانی که آقا میفرمائید چرا؟ این جز اینکه يك مقدار دفاتر زیاده را برداشته باشیم و کاغذش را خراب کنیم فایده دیگری ندارد.

افسر - کار لغوی است

رئیس - آقای طاهری

طاهری - موافقم

جمعی از نمایندگان - کافی است مذاکرات

رئیس - کافی است (گفته شد بلی) پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو قرائت میشود:

مقام منبع ریاست معظم مجلس مقدس شورای ملی پیشنهاد میکنم ماده ۱۲ این قسم اصلاح شود

ماده ۱۲ - خالصه و مستغلات دولتی و باغ و عمارت بهارستان محل مجلس شورای ملی از پرداخت حق الثبت

که بر طبق قانون مصوبه ۲۱ بهمن ۱۳۰۶ از املاک اربابی بایستی دریافت شود معاف خواهد بود

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - اینجا تصور میکنم که اگر اسم باغ بهارستان که محل مجلس شورای ملی است در این ماده ذکر نشده است شاید دولت کافی دانسته است از ذکر همان خالصجات که اسم برده است در صورتیکه مجلس شورای ملی از خالصجات دولت نسبت

افسان دارد محل مجلس شورای ملی از طرف دیگر بهمان طریقی که آقای وزیر عدلیه اینجا اظهار فرمودند هیچ يك ندارد که از این جیب بیرون برود و بآن جیب بپوشد از اینجا گرفته میشود و بجای دیگر داده میشود آنجا هم فرضاً حق الثبت پرداخته شود از دولت گرفته میشود و بدولت پرداخته میشود ولی در اینجا فقط نسبت مجلس شورای ملی محفوظ میماند و علت ندارد که مستغلات دولت و خالصجات دولت معاف باشد و اینجا برای عمارت و باغ مجلس در ردیف دیگران عمل نموده از این جهت بنده پیشنهاد کردم که این هم سببه شود

نمایندگان - صحیح است.

وزیر عدلیه - يك مرتبه دیگر قرائت شود

پیشنهاد آقای ارباب مجدداً بشرح سابق قرائت شد

رئیس - تصور میکنم به آقا مجال ندادند بفهمند دو مرتبه بخوانید.

(یکمرتبه دیگر هم بهمان مضمون قرائت شد)

وزیر عدلیه - عرض کنم بنده سخاوت امروز

از خیلی عایدات ثبت ضرر میزند ولی این از برای حق الثبت مجلس شورای ملی نیست و خیلی عایدات دولتی هم نیست و البته بنده موافق هستم مبلغ فوق العاده

نیست و این را میخوانم اینجا عرض کنم در قسمت مجلس شورای ملی چه در قسمت دولت

چه در قسمت بلدیها که یکی از آقایان پیشنهاد کرده است و بنده هم موافقم آنچه تا بحال داده شده است

بگردد داده نمی شود این برای این است که از آن مبلغ (ارباب کیخسرو - چیزی نداده ایم) خوب نداده ایم

جای ناسف است ولی این را خواستم عرض کنم که از برای بعد از این است نه اینکه بیایند بخوانند

بگویند که در جریان ثبت است و يك قسطش داده شده است و دیگرش هم باید داده شود و رفته است

در عایدات دیگر نمی شود پس داد اساساً بنده موافقم

هستم ولی چیزی که خواستم اینجا عرض کنم آیا ضرورتی دارد که نوشته شود بر طبق قانون مصوب بهمنماه ۱۳۰۶! آن قانون رفته است و نقض شده است و يك قوانین جدیدی آمده است. نوشته شود بر طبق قانون ثبت اسناد و با همان پیشنهاد.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - بنده خواستم همیشه عرض کنم که هنوز از طرف مجلس چیزی داده نشده است.

رئیس - آن قسمت قانون برداشته میشود.

مخبر - اجازه میفرمائید. در این قسمت پیشنهادی که آقای ارباب کردند بعقیده بنده شامل آبی که در عمارت مجلس هست نمیشود و اگر میاه مجلس را خواستند ثبت بکنند این عبارت شامل آن نمیشود و خیال میکنم این عبارت را يك طوری اصلاح بکنند و میاه را ذکر بکنند که شامل آنها هم بشود.

رئیس - با اصلاحات یکمرتبه دیگر قرائت میشود.

پیشنهاد میکنم ماده ۱۲ اینقسم اصلاح شود ماده ۱۲ - خالصه و مستغلات دولتی و باغ و عمارت و آب بهارستان محل مجلس شورای ملی از پرداخت حق الثبت که بر طبق قانون ثبت اسناد از املاک اربابی بایستی دریافت شود معاف خواهند بود.

آشتیانی - مجری المیاه

رئیس - پیشنهاد آقای فهیمی:

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۱۲ بطریق ذیل نوشته شود: ماده ۱۲ - خالصجات و مستغلات دولتی و املاک

بلدی از پرداخت حق الثبت مقرر در قانون ثبت اسناد و املاک معاف خواهند بود.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - مطلب که معین است املاک بلدیها اضافه شده است و آن قسمت که راجع بباغ بهارستان و عمارت

مجلس است اگر آب اضافه نشود آن عقیده آقای ارباب کیخسرو و آن پیشنهاد بکلی از بین می‌رود خوب است که این قسمت را هم اضافه کنیم به پیشنهاد بنده رئیس - ما وقتی که دانستیم که پیشنهاد اجابت شده است تلفیق و تنظیم ماده را آسان می‌کنیم و طوری می‌کنیم که عبارت های زاید نداشته باشد (صحیح است) نظر آقای مخبر چیست؟

مخبر - موافق

رئیس - نظر دولت هم مساعد است؟

وزیر عدلیه - بنده هم موافق هستم

رئیس - رأی می‌گیریم به ماده ۱۲ با قبول پیشنهاد آقای ارباب و آقای فهیمی بوجهی که قرائت شد (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۳ قرائت میشود

ماده ۱۳ - وزارت مالیه مجاز است که در مواقع لازمه عمل مساعده دادن نقدی و جنسی را بزارعین خالصجات ادامه دهد این قبیل مساعده ها که در طرف یکسال باید مسترد و مستهلك شوند برای بذر و خرید دواب و آلات زراعتی و توسعه امور آبیاری و فلاحتی پرداخته خواهد شد محاسبه اینگونه مساعده ها با نهایت دقت نگاهداری شده و در استرداد آن مراقبت کامل بعمل خواهد آمد

رئیس - آقای طاهری

دکتر طاهری - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا آقای وزیر عدلیه هم توجه بفرمایند آقای مخبر هم توجه بفرمایند این عبارت محتاج نیست اصل خود ماده اینست که دولت همراهی داشته باشد در عمل رراعت و فلاحت نسبت با ملاک خالصه

اینهم که می‌خواهد بدهد و مساعدت بکند مساعدت مخصوص است برای بذر و خرید دواب و آلات و ادوات زراعتی و این عبارت محاسبه اینگونه مساعده ها با نهایت دقت نگاهداری شده و در استرداد آن مراقبت کامل بعمل خواهد آمد. این شعر است و قافیه است و بنده عقیده ندارم و این عبارت آخر دیگر جزء قانون نیست و این از محاسبه الی آخر حذف شود و زاید است

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - آقای آقا سید یعقوب مخالفتی فرمود

این ماده در تمام قوانین متمم بودجه بوده است چون وزارت مالیه بدون اجازه نمیتواند مساعده بدهد این مجلس اجازه میدهد بوزارت مالیه که برای کمک کرده بخالصجات و زراعت خالصجات مساعده بدهد و از آنطرف برای اینکه محدود نباشد که این بچه مصرف برسد به آنجا که برای بذر و خرید دواب و آلات زراعتی و این است از طرف دیگر هم باید دستور داده شود که مساعده که داده شده است مسترد شود و این ماده در تمام قوانین متمم بودجه هست.

آقا سید یعقوب - آن عبارت بعدش که محاسبه را دقت نگاهدارند.

رئیس - آقای طهراني

طهراني - عرض میشود دادن بذر و مساعده بر عهده خالصه خیلی خوب است ولی در عمل آنچه که متمم شده طور دیگر عمل میشود بنده مخالفتم از این نظر است که اسم زارع و اینها در قانون نوشته میشود ولی موقع عمل دیگران استفاده میکنند. هر که دست پایش زیادتر است اوستفاده میکند و به آن محل مخصوص میرسد بنده مخالفتم از این نظر است که باید این توضیح داده شود که این بذر و مساعده واقعاً به آنجا داده شود به گاو بند داده شود به آن کسی که خالصه زحمت میکشد این را اگر مراعات بکنند بنده مخالفتی ندارم

والا بنده مخالفم و حذف این ماده را پیشنهاد میکنم. عرض کنم اعتراضی که آقای آقا سید یعقوب کردند راجع به محاسبه بعقیده بنده این خیلی لازم است این مقصود این نیست که این مساعده هائی که داده میشود سر سال پس گرفته شود خیر عملاً هم اینطور است با این چیزی که در قسمت اول نوشته شده است مال مأمورین مالیه عیناً مساعده هارا استرداد کنند و مرتبه از نو يك عملیاتی بکنند این جز خسارت و دردت فایده ندارد ولی این عبارت که اینجا نوشته است که محاسبه را بدقت نگاه بدارند برای این است این اجازه داده شود که يك قبض و اقباضانی بکنند بوجه کار یعنی آن مساعده که اینجا نوشته شده است بدهد برای بذر و کارهای زراعتی مطابق این قانون باید سال استرداد کنند و اگر این عبارت نباشد باید سالها را پس بگیرند و از نو بدهند ولی این عبارت که اینجا نوشته شده است کافی است برای اینکه این محاسبه را بکنند مأمور مالیه نگاهداری کنند. اما اینکه آقای فهیمی فرمودند راجع بدادن مساعده به زارعین و اختلاف بین با مقصدیاب مالیه چه جور است اداره مالیه بزرگ اداره خرابی است بالاخره هر وقت شما رسیدید اداره مالیات طهران و خالصه جات طهران را ملاحظه بکنید اینهم درست میشود و این مربوط باین است.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده در اینجا عرضی ندارم فقط بگویم این است اینجا که نوشته این قبیل مساعده ها در طرف یکسال باید مسترد و مستهلك شوند برای بذر و خرید دواب و آلات زراعتی و توسعه امور آبیاری و فلاحتی پرداخته خواهد شد. يك قسم دیگر هم هست که در این مساعده بخود رعیت است يك وقت از اوقات است که خود رعایا نان ندارند بخورند باید در این

موقع يك نان خوردنی هم بآنها داده شود و در اینجا این را نمی‌فهماند هر چند میشود از توسعه امور آبیاری يك چیزی در آورد اما خیلی باشکال بنده می‌خواستم يك توضیحی در اینجا داده شود که دادن نان برعیت هم جزو این مساعده هست اگر رعیت نان نداشت دولت میتواند از بابت نان رعیت هم بدهد اینجا چون درست واضح نبود خواستم توضیح داده شود که آن قسمت را هم شامل بشود.

رئیس - آقای فهیمی موافقید؟

فهیمی - بلی

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود -

پیشنهاد میکنم از کله محاسبه الی آخر حذف شود در ماده ۱۳

رئیس - آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب - آقای باسائی توجه فرمودید که

اگر نظر شما این باشد که باید مامورین مالیه سر سال این مساعده را جمع آوری نکنند این عبارت وافی بآب مقصود نیست. بنده عرض کردم که این يك تکلفی است مثلاً فایده قانون و عمل قانون این است که محاسبین و مأمورین مالیه محاسبات را با دقت نگاهداری کنند و در موقع جمع آوری خوب جمع آوری بکنند مثلاً شما بشوگر خودتان بگوئید که دقت کن از پنی خریدن این چه اثری در وضع قانون دارد؟! اگر آن نظر را دارید که مامورین مالیه لازم نیست سر سال که شد آن مساعده ها را اخذ بکنند و باید مهلت بدهند این عبارت آن را نمیرساند این عبارت يك نصیحتی است و آن مقصود را هم نمیرساند و جزو قانون هم نیست و بنده از این جهت پیشنهاد کردم که این حذف شود حالا مقرر میشود که مراد از این عبارت این است که اگر سر سال مامور مالیه دید حال رعیت طوری است که نمیتواند این مساعده را بدهد این مساعده را بگیرند اولاً در اینجا

دست مامورین مالیه را باز کرده اید بیک نظریات خصوصی همینجور که می بینید و بنده نمیتوانم بگویم بیک توسعه آنها داده اید که بیک نظریات خصوصی اعمال کنند. بنده عقیده ام این است که ما هم این را بنویسیم تا اینکه از این سوء استفاده نکنند حالا اگر شما موافقت نمیکنید بنده مسترد میکنم.

مخبر - همینجور که آقای طهرانی فرمودند این عبارت در قوانین سابق هم بوده است و بهمین طور عمل میشده است و از این عبارت همین را می فهمیدند که بنده عرض کردم و از نقطه نظر رعایت حال ملائکین خالصجات که در اطراف طهران هستند بهتر این است که این عبارت بحال خودش باقی باشد برای اینکه اگر استرداد بکنند و باز بخوانند بدهند هم برای دولت و هم برای رعایا ضرر دارد و از این عبارت این معنی را نمی فهمیدند و حالا هم استرداد کنید.

آقا سید یعقوب - بنده استرداد میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی!

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۱۳ اضافه شود بعد از توسعه امور آبیاری و فلاحی و نان رعیت الی آخر.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرض میشود در اینجا که توضیح داده و تقسیم کرده در واقع مساعده را همه جور اسم برده است بجز نان دادن برعیت در غالب از نقاط در امورات فلاحی رعیت خودش نانی را که میخواهد بخورد ندارد و اینجا از این ماده معلوم نمیشود که بخود رعیت هم دولت میتواند نان بدهد بذر میخواهد میدهد مساعده بجهت کاو و آلات زراعتی بخواد میدهد اما نان خودش را توضیح نداده مستعدی هستیم که بیک توضیحی داده شود که نان خودش را هم شامل است یا نیست.

مخبر - البته اگر بیک رعیتی خیلی فقیر و گرسنه باشد از مساعده نقدی که داده میشود میتواند استفاده کند و امرار معاش کند تا سر خرمن از سهم نوزاد بردارند و حساب کنند و این عملی است که در املاک اربابی میشود در خالصه هم میشود ولی اینجا نوبت داده شده است که برای توسعه امور آبیاری و فلاحی و فلاحی و اگر بجای نان نوشته میشود و غیره بهتر فیروز آبادی - بنده هم قبول میکنم و غیره بهتر رئیس - آقای دهستانی اینجا بیک کلمه و غیره بکنند منظور شما حاصل است رأی میگیریم ماده سیزدهم بالذات کلمه و غیره موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده چهاردهم قرائت میشود مخبر - ماده چهاردهم و پانزدهم باید جایز شود ماده پانزدهم بیاید بالا ماده چهاردهم بشود چهاردهم برود جای آن چون بیک ماده دیگری هم با معارف هست

رئیس - در همان حالی که آقا میفرمودید بنده ختم جلسه شده است از طرف جماعتی پیشنهاد آمد جلسه ختم شود آقای روحی توضیح نان را بفرمایند روحی - عرض کنم غالب آقایان در شهران نان دارند باید تشریف ببرند علاوه بر این حالا وقت گذشته است و چند ماده هم مانده است و وقت میخواهد خوب است بماند برای جلسه بعد (بعضی نمایندگان - صحیح است)

وزیر عدلیه - این در حقیقت خواهش است بنده میکنم آقای وزیر پست و تلگراف از صبح تا حالا اینجا نشسته اند تمام نظرشان به این ماده است بنده نمی میکنم که این ماده را هم بگذرانید که ایشان نظر ببرند.

روحی - سابقه نبوده است که دولت باختم جلسه بن بکند ولی حال بنده حرفی ندارم.

وزیر عدلیه - بنده هم خواهش کردم.

ماده چهاردهم - مستخدمین وزارت پست و تلگراف از تاریخ اول فروردین ۱۳۰۹ تا مدت چهار ماه تمدد میشوند و واجد شرایط اخذ حقوق تقاعد قانونی باشند مطابق ترتیب ذیل از حقوق تقاعد بجای ۴۵٪ قانون استخدام کشوری نسبت بترتیب ذیل استفاده و پس از فوت وارث آنها برطبق مواد ۴۷ و ۴۹ قانون استخدام استفاده خواهند نمود.

اولا - میزان حقوق تقاعدی مستخدمین جزء و مستخدمین رتب ۲ و ۳ مساوی است با یک چهارم آخرین مقرری خدمت در سنوات خدمت.

ثانیا - میزان تقاعدی مستخدمین رتب ۴ و ۵ مساوی است با یک پنجم آخرین مقرری خدمت در سنوات خدمت.

ثالثا - میزان تقاعدی مستخدمین رتب ۶ و ۷ مساوی است با یک پنجم آخرین مقرری خدمت در سنوات خدمت.

رابعا - ماده فوق شامل عده از مستخدمین رتب پست و تلگراف خواهد بود که در مدت چهار

مذکور در فوق متقاعد میشوند.

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقم

رئیس - آقای طاهری

طاهری - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده با اینکه هم به آقای وزیر پست و تلگراف ارادت دارم و هم باین اشخاصی که خدمت میکنند لکن تصدیق میفرمائید که بنده هم باید حقوق خودم استفاده کنم. این قانون استخدام یک نفعی شده است در حقیقت هر جائی از آن که نفع دارد بنده محفوظ است در هر دوره که میآید و بیک ماده

که فی الجمله ضرر دارد آن ماده را لغو میکنند و زیربنا میورد در صورتیکه خود آقایان وزراء باید بدانند که این قانون استفاده کشوری که هست مجموع من حیث المجموع است مواضع را وقتی که تمام را بگردید دوره چهارم مقننین زحمت کشیدند این مواد را با هم ملاحظه کردند اگر بیک ماده اش ضرر داشت در بیک ماده دیگر آن ضرر جبران میشد مثلاً ضرب کردن در سنوات خدمت اگر ضرب خدمات را درست بکنند آن ضرر برداشته میشود مواد قانون با هم مرتبط است و مثل بیک زنجیری است که بهم مربوط است و بهم دیگر وصل میشود حالا شما بیک زنجیری درست بکنید که یکیش بزرگ و یکیش کوچک باشد این زنجیر نیست این بیک چیز خیلی مخلوط بهم است این بیک نقطه نظر اساسی است در وضع قانون موضوع دیگر اینست که بنده آقایان عرض میکنم این صندوق تقاعد (بنده که مستخدم نیستم الحمد لله) ولی در مجلس مستخدم خیلی است این صندوق تقاعد مال بیک طایفه مخصوص نیست صندوق تقاعه مال همه مستخدمین است مستخدمین ما وزارت عدلیه است وزارت جنگ است وزارت پست و تلگراف است وزارت داخله است هشت وزارتخانه ما داریم این هشت وزارتخانه بیک صندوق دارد و این حقوق تقاعد از این صندوق برداشته میشود و داده میشود. حالا نباید ما بیائیم امروز بگوئیم وزارت پست و تلگراف عوض اینکه ضرب در شصت بکنند ضرب در چهل بکنند فردا بواسطه ارادت داشتن بوزیر مالیه بگوئیم ضرب در ۳۹ بکنند به ارادت به آقای وزیر فواید عامه بگوئیم ضرب در پنجاه بکنند این مخالفتی که بنده دارم از این نقطه نظر است والله خدا میداند بهمین مامورین وزارت پست و تلگراف کمال ارادت را دارم و سالهای سال براسق و درستی خدمت کرده اند دولت اگر بخواد در باره اینها انعامی اعطا کند نباید از حقوق صندوق تقاعدی که مال همه وزارت خانها است اختصاص بآنها بدهد. بنده موافق هستم (با اینکه همیشه در تمام اوضاع خرج

مخالفت میکردم) در اینجا موافق هستم که با هزار سلام و صلوات رأی بدهیم يك ماده علیحده باین معنی که دولت يك اعتباری ده بیست هزار تومان بگذراند برای این مستخدمین تا اینکه يك صندوق تقاعدی که شاید بیست و دو هزار مستخدم که ما داریم و حقوق اینها در این صندوق است آنوقت ما بیائیم رأی بدهیم در حق کسی آقای فیروز آبادی چه حق داریم رأی بدهیم؟؛ حقوق تقاعد مال مستخدمین است عموماً. مجلس چطور میتواند رأی بدهد در حقوقی که مال مردم است نسبت ببعضی تفاوت باشد مالیات عمومی هم که نیست که ما ببخشیم حقوق شخصی مستخدمین است که بیست و دو هزار تا الی پنجاه هزار نفر هستند این است عقیده بنده حالا هر کس که میخواهد به من بی جهت يك بی مرجحی بکند بکند این نظر بنده است

وزیر عدلیه -- بیانات نماینده محترم يك قسمتش راجع باساس قانون استخدام باینکه در هر دوره و در ضمن هر قانون بودجه يك لطمه به هیكل مقدس این قانون استخدام میخورد و یکی دیگر هم راجع بصندوق تقاعد و اینکه آیا ما حق داریم بیائیم این را بدیگران ببخشیم یا نه. اما راجع بقانون استخدام بنده متأسفانه خیال میکنم که يك دوسه تا لطمه بزرگتر از این نیش سنجاقی هائی باین قانون زده است قانون استخدام يك موادی دارد که صحیح است ولی بالاخره آدم است در يك وقتی يك حقوقانی يك ترتیبی ثابت کرده است گفته است هر کس در سر کار بوده است يك رتبه هائی برای آنها ثابت کرده است بدون رعایت مدت خدمت و این سابقه و این رتبه را میشناسم و متأسفانه کسانی هم هستند که بیست سال سی سال است خدمت کرده اند و بدر خدمت امروز هم نمیخورند ما چه باید بکنیم؟ گیر میکنیم چه بکنیم؟ نگاه بداریم در سر کار حقوق بدهیم که هم پول داده شده است و هم کار از پیش نرفته است و از طرف دیگر بیائیم يك اشخاصی را منتظر

خدمت بکنیم حقوق انتظار خدمت هم کافی نیست بهشان هیچ چیز ندهیم بگوئیم درست است که بیست سال سی سال خدمت کرده اید ولی چون امروز بدر کار ما نمیخورید حالا بروید بپرید این آن چیزی است که از این قانون استخراجه می آید و تصدیق میفرمائید که این خوب تر نیست و بالاخره تصدیق میفرمائید که باید يك فکر کرد که چرخهای دولت با چرخهائی که ببارد روز بدر کار روزش میخورد بچرخد ابدأ اینجا سوء تفاهت نشود ابدأ سوء تعبیر نشود بنده نمیخواهم بگویم که سی سال داخل خدمت بوده آدمی است که امر بدر کار نمیخورد ای بسا کسانی که سالها در کار بوده اند و آن سوابق طولانی شان يك چیزهای محل فایده است که باید امروز دولت ازش استفاده میکند و استفاده بکند یعنی تجربیاتشان در کار های دولت ولی آنطرف هم تصدیق میفرمائید يك عده در این ادوایه اخیر آمده اند و صرف قانون استخدام از برای آن يك وضعیتی ایجاد کرده است که اگر آن وضعیت بود ما از دستشان میتوانستیم خلاص بشویم (صحیح است) حالا پس اول این را میخواهم عرض کنم که ما يك راه حلی از برای این طبقه از مستخدمین که خودشان در زحمت هستند چونکه اگر در سر کار هستند متزلزل هستند بواسطه عدم لیاقتشان و اگر هم منتظر خدمتند اغلب بدون حقوق انتظار خدمتند چون حقوق انتظار خدمت اعتبار کافی ندارد برای اینکه امسال بودجه اش يك مبلغ زیادی کاسته شده بود قبلاً منتهی شد و گفت من میتوانم این کار را بکنیم میتوانم بیائیم و در عوض يك اشخاصی که سر کار هستند ما نمیتوانیم ازشان استفاده کنیم و ما ناچار بهای دولت يك عده را بگذاریم کار را آنها بکنند اسمش را بگذاریم يك اشخاصی که چندین سال خدمت کرده اند حقوق مختصری (چون حقوق وزارت پست و تلگراف

اینکه نمی توانید بگوئید آن چیزی که آنها داده اند بیابند پس بگیرند. نه میشود گفت که مال دولت است و هر کاری که میخواهد بکنند. این يك صندوقی است که باید بيك مصرف معین برسد و دولت هم مکلف است که اگر يك روزی که بیاید از صندوق تقاعد از بودجه خودش باید بدهد. پس اگر بنا باشد بکلی مال خودشان باشد یعنی خورد و خوردی باشد بمستخدمین می گفتم که هر چه پس انداز کرده اید بخودتان داده میشود و اگر يك روزی صندوق تقاعد دارای پولی نبود بشما تقاعد داده نمیشود آنوقت اظهارات حضرت تاملی کاملاً صحیح و بجا بود ولی اینطور نیست آقا دولت هم از بودجه خودش میدهد و اگر يك سال صندوق تقاعد روی عمل عادی قانون کسر آورد چه خواهد کرد؟ آیا بمستخدمین می گوئید که چون حقوق مال خودتان است امسال تومان شمار کمتر بگیرید؟ البته این حرف را نمی توانید بزنید و نمیزنید و نخواهید زد پس باید دولت کسری را از بودجه خودش بدهد. این استدلال از برای این است که خاطر اعضاء دولت یعنی مستخدمین دولت نگران نباشد و خاطر جمع باشند که صندوق تقاعد اینطور ها هم در خطر نیست و هیچوقت هم کسر نخواهد شد و بی اعتبار نمیشود آنها هم عرض کردم که اگر فرض کنید يك روزی کسر بیاید (کسر نمیشود) آنها هم باز دولت باید بیاید و در بودجه اش پیش بینی کند و بدهد.

عده از نمایندگان - صحیح است. مذاکرات

کافی است

دکتر عظیمی -- بنده مخالف هستم آقا

رئیس -- پیشنهاد آقای فرهنگد قرائت میشود:

پیشنهاد آقای فرهنگد:

دوسطر از اول ماده پانزده را بترتیب ذیل اصلاح و پیشنهادی نمایم مستخدمین وزارت پست و تلگراف که از تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۰۹ تا مدت ۶ ماه تقاضای تقاعد می نمایند وزارت خانه با واجد بودن

شرایط اخذ حقوق تقاعد قانونی آنها حکمی صادر مینماید الخ

فرهمنند -- عرض کنم که مقصود بنده از این پیشنهاد این بود که اگر این قانون در اول فروردین ماه گذشته بود دیگر لازم نبود که این مدت در ماه را زیاد کنیم ولی الان سه ماه است گذشته است و یکماه بیشتر باقی نمانده است و جریان و تشریفات گذراندن احکام و مصوبات اشخاصی که متقاعد میشوند خیلی زیاد است و بایک مدت خیلی کمی هم نمیشود این بود که بنده دو ماه اضافه کردم اینجا مینویسد مدت ۴ ماه متقاعد میشوند وقتیکه مینویسد متقاعد میشوند بایستی تمام آن مراحل را طی بکنند باز ممکن است که اگر اینطور باشد هیچیک از آن آقایان استفاده از این قانون نکنند اینست که بنده نوشتم بعد از آنکه خودشان تقاضا کردند وزارتخانه قبول کرد از همان روز متقاعد میشوند و بعد وزارتخانه تشریفاتش را بعمل می آورد

مخبر -- چون تأثیر فوق العاده مهمی ندارد و مانعی هم ندارد بنده قبول میکنم

وزیر پست و تلگراف -- بنده هم قبول میکنم

رئیس -- رأی میگیریم بماده ۱۴ یعنی ۱۵ و فعلاً ۱۴ پیشنهاد دیگر آقای فرهمنند

در تبصره ماده ۱۴ اصلاح کلمه چهار ماه را به ششماه پیشنهاد مینمایم

مخبر -- فرهمنند چون شش ماه در ماده قبول شده است بایستی در این تبصره هم اصلاح شود

مخبر -- اجازه میفرمائید یکمرتبه دیگر قرائت شود (مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

مخبر -- چون پیشنهاد اول را قبول کرده ام این را هم قبول میکنم ...

بعضی از نمایندگان -- رأی رأی

دکتر عظیمیا -- خبر بنده پیشنهاد دارم

رئیس -- (پس از قدری تأمل) آقای دکتر پیشنهاد چه شد ؟

دکتر عظیمیا -- يك طوري است که باید اصلاح کرد و بکنجانب توي ماده فوری که نمیشود

رئیس -- رأی میگیریم

وزیر عدلیه -- اجازه میفرمائید؟ آقای دکتر تذکری دادند بنده از ایشان خواهش کردم که پیشنهاد بدهند. ایشان فرمودند اشخاصی که پنجاه سال سابقه خدمت دارند این از حقوقش هم باین ترتیب که نوشته شده زیادتیر خواهد شد آقا گفتند اینجا بیفزایم بنده اینک از حقوقی که می گرفته اند تجاوز نکند

اعتبار -- چرا ؟

وزیر عدلیه -- برای اینکه ممکن است اگر این حساب کنیم از حقوقش هم تجاوز کند ولو اینکه هیچ مورد هم نباشد. این حرفی است اساسی.

بعضی از نمایندگان -- رای رای

رئیس -- مایک حالت منتظره داریم (پس از قدری تأمل) پیشنهاد آقای دکتر عظیمیا: بنده پیشنهاد می کنم که در ماده ۱۴ قبل از اول نوشته شود مشروط بر اینکه از حقوق فعی تجاوز نکند (صحیح است) وزیر عدلیه -- در ماده ۱۵ است

رئیس -- ماده چهارده است آقای دکتر توضیح می خواهید بدهید ؟

دکتر عظیمیا -- بلی عرض کنم کسانی که شصت سال سابقه خدمت داشته اند بنده میدهم که همه آقایان درست دقت کنند کسی که شصت تومان حقوق دارد اگر متقاعد شود آنکه در قانون استخدام هست در ۶۰ سال شصت شصت تومان باندازه حقوقش و هیچوقت به شصت

باید آمد. چرا؟ برای اینکه از ۱۸ ساله محسوب می شود هیچ مستخدمی بیش از ۵۲ سال نمی تواند خدمت کند باشد پس اگر خواستند ضرب در شصت يك بکنیم ۵۲ سال میشود ۵۲ تومان و از حقوقی که میگیرد بشود هشت تومان از حقوقی که می گرفته است کمتر بودولی در ۴ اگر ضرب کنیم حساب کردیم پنجاه که آقای وزیر عدلیه فرمودند ده تومان بیشتر از حقوقش میشود يك کسی که چهل سال است مستخدم بگیرد چهل تومان حالا وقتی که مستخدم نیست و ده تومان باو اضافه بدهیم؟ کسانی که الان خدمت میکنند شصت سال خدمت می کنند از این بعد و حقوق بدهند شصت يك آن کسی که هفت سال کسور داده حالا بیاید از صندوق تقاعد بگیرد ده تومان شصت تومان بیش از آنچه که تا بحال می گرفته است اینک

مخبر -- نظر آقای مخبر چیست؟

مخبر -- موافقم منتهی در عبارتش جایی که قید کرده بنظر بنده قدری مورد ندارد برای اینکه پس از این عبارت در این جایی که قید کرده اند اینطور میسراند معنی است بورات آنها در صورتیکه مربوط بخودشان باشد باین ترتیبی که مربوط بشود بماده پیشنهاد آقای را

مخبر -- وسط ماده بنویسید.

مخبر عظیمیا -- گفتم عجله نکنید تا صحیح بنویسیم

مخبر -- پیشنهاد آقای فیروز آبادی:

مخبر -- پیشنهاد می کنم که در ماده ۱۴ نوشته شود: که زیاده تر از دوثلت حقوق زمان خدمت او

آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- اولاً بنده يك نظری دارم که بدون خدمت هیچکس هیچ حقی ندارد این يك نظر کلی است حالا میفرمائید که يك خدماتی در سنوات قبل کرده است خوب يك حقوقی هم گرفته است و حالا باید متمم آن حقوق را باو داد بنده نظرم باین است که هر کس بداند که بجهت بعد از خودش يك ذخیره هم دارد و امروز نگویید که اگر فردا من مردم دولت بوارث من حقوق میدهد و اگر من پیر شده دولت بمن حقوق تقاعد میدهد پس من خوب خرج کنم مردم را نباید باین چیزها عادت داد بنده عقیده ام این است که چون در اینجا در ترتیبات ضرب و اینها مطلب درست دقت نشده بود و مطلب درست معلوم نبود و بآن نظر که آقای دکتر فرمودند ممکن است بر بخوریم بنده پیشنهاد کردم این اضافه حقوق داده شود باو بشرطی که زیاده تر از دوثلت حقوق زمان خدمتش نشود و آنهم کافی است وقتی که خدمت می کرده است شصت تومان می گرفته است حالا که خدمت نمیکند چهل تومان بگیرد و این هم کم نیست و ظلم و تعدی هم درباره او نشده است

مخبر -- بنده تصور میکنم که آقای فیروز آبادی يك پیشنهادی فرمودند که دولت (وزارت مالیه) مقید باشد در پرداخت تقاعد وبدون جهت وزارت مالیه حواله ندهد چنانچه خود بنده هم شنیدم چندین مرتبه هم اعتراض کرده ام آقایان هم هنوز جواب نداده اند من یکمرتبه شنیدم چهارده هزار تومان بيك نفر حقوق تقاعد داده اند و هر چه هم گفتم آقایان توجه نکردند و هر چه هم بقوانین اشاره کردم آقایان توجه نکردند واقعا بنده نفهمیدم حالا این جا بنده استفاده میکنم از موقع و به آقای وزیر عدلیه که رئیس هیئت تقنینیه مملکت هستند عرض میکنم باید این قسمت را دقت بکنند و تحقیق بفرمایند کسانی که از صندوق تقاعد حقوق میگیرند اینها را تعقیب کنند و به بینند که اینها کی هستند بالاخره يك کسی که زمان استبداد رفته است و مردم را چاپیده

است و يك حقوقهائی هم گرفته است حالا دیگر چرا
از این جا بگیرد . اما راجع به این پیشنهادی که فرمودید
دو نك پیشنهاد آقای دکتر البته يك منطقی داشت که
بگوئیم حقوق تقاعدی از اصل حقوق نباید تجاوز کند
و خوب است شما هم با این پیشنهاد موافقت فرمائید
و همانطوری که ماده تنظیم شده است بهتر است .

فیروز آبادی - بنده مسترد میکنم

رئیس - رأی میگیریم به ماده چهاردهم با افزایش
دو پیشنهاد آقای فرمند در خود ماده و تبصره و افزایش
پیشنهاد آقای دکتر عظیمیا با نامین نظر مخبر که عاید
بهمه بشود . موافقین قیام فرمائید .
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . آقای مخبر راجع به آب پیشنهادی
فرموده بودید ؟

مخبر - بلی بلی عرض میشود بنده خودم متذکر شدم
پیشنهادی که آقای ارباب فرمودند در عبارتی که پیشنهاد

کرده بودند کلمه آب بود در صورتیکه مقصود مجریها
بود چون آب که قابل نبت نیست و مقصود مجل
که رأی داده مجری المیاء بود

ارباب کیخسرو - بنده هم متذکر شدم آقای آن
هم همانموقع تذکر دادند و بمقام ریاست هم نوت
فرستادم که اصلاح شود .

رئیس - این اصلاح البته میبایستی بشود و
تذکر بود که مجلس سابقه داشته باشد

بعضی از نمایندگان - صحیح است

[۶ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - اگر تصویب میفرمائید جلسه آینه پنجم

۲۹ خرداد باشد دستور هم بقیه دستور امروز

(مجلس پنجاه دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگ